

تحقیقی بر شناسایی حاکمیتهای شرع در قهستان (خراسان جنوبی فعلی) از سال ۱۲۸۴ قمری تا ۱۳۶۶ قمری

حمیده جلیلی^۱، کمال غوث^۲

^۱ دکترای مدیریت آموزشی و مدرس دانشگاه فرهنگیان بیرجند

^۲ کارشناس ارشد ترویج و آموزش کشاورزی

چکیده

یکی از دغدغه های مورخان جستجوی داده های مفید برای نگارش تاریخ اجتماعی است. در میان منابع غیر تحقیقی و غیر تاریخ نگارانه یکی از منابعی که از قابلیت و ظرفیت بالایی برای نگارش تاریخ اجتماعی برخوردار است نگاه به آثار علماء محلی است. مقاله حاضر به معرفی جایگاه علمای قاینات چون سید ابوطالب قاینی، محمد حسن هردنگی، محمد باقر آیتی، سید ابوتراب انوار و محمد هادی هادوی پرداخته و ضمن معرفی آنها به گونه اسنادی و تحقیقی و دور از هرگونه تعصب گیری به شناسایی واقعی جایگاه هر یک از آنها می پردازد. هدف اصلی این مقاله شناسایی حاکمان شرعی از قاینات است که بدلیل سیطره سیاسی، نخبه گرایی محلی، زندگی دور از بیرجند و فاصله گیری از امرای قاینات، نقش آنها در تاریخ محلی قاینات کمرنگ و گاهی مفقود شده است.

واژه های کلیدی: محمد باقر آیتی، محمد حسن هردنگی، محمد هادی هادوی، سید ابوتراب انوار، سید ابوطالب قاینی، حاکمیت شرع، قاینات

۱- حاکمیت های شرع قاینات :

۲- آیت ا... سید ابوطالب حسینی مجتهد قاینی :

آقا سید ابوطالب دانشمندی کم نظیر در زمینه همه علوم اسلامی است. وی عالمی متبحر و متخصص و فقیهی صاحب نظر بود. در سال ۱۲۳۰ ه.ق در قاین متولد شد. مقدمات علوم اسلامی را در قاین فرا گرفت سپس برای تکمیل مدارج عالیه علم به مشهد مقدس رفت و از محضر دانشمندان صاحب کمالی چون مرحوم آیت ا... حاج محمد رحیم بروجردی (ره) و مرحوم آیت ا... آقا سید محمد رضوی استفاده کرد و به اخذ اجازه اجتهاد از سوی آنان مفتخر شد. آن گاه به حوزه علمیه اصفهان که در آن زمان از اهمیت به سزایی برخوردار بود، رفت و با جدیت تمام مشغول کسب دانش شد و از سوی آیت ا... حاج شیخ ابراهیم کرباسی (کلباسی) که از مراجع طراز اول حوزه اصفهان بود، اجازه اجتهاد گرفت. سپس به سوی حوزه نجف اشرف عزیمت کرد و در آن جا از محضر اساتیدی چون آیت ا... شیخ محسن خنفر بهره برد، معظم له نیز برای ایشان اجازه اجتهاد و روایت صادر کرد. آقا سید ابوطالب مجتهد قاینی پس از کسب علم، برای ارشاد مردم در حدود ۱۲۶۰ قمری به مشهد مقدس عزیمت و

شروع به تدریس کرد (آیتی، ۱۳۷۱) و طلبه بسیار بر گرد او جمع و مرجع خاص و عام شد (راشد، ۱۳۴۲). شخصی از تجار بزرگ دختر خود را به تزویج او در می آورد و در شب عروسی، شخصی در پنهانی به او می گوید که این دختر معقوده است. لذا سید به سرعت بیرون آمده و به مدرسه می رود و دختر را طلاق می دهد و دوباره با تحقیق بر او اثبات می شود که آنها در پنهانی عقد کرده اند و از آنجا که اذن پدر را در عقد دختر باکره اعتبار نمی کرده حکم به زوجیت آنها کرده است. بعد از این قضیه از مشهد مقدس به سمت قاینات حرکت و گاهی در بیرجند و گاهی در قاین ساکن بوده است و ضمن انجام امور شرعی و تدریس در حوزه علمیه قاین به تبلیغ و تزویج دین می پرداخت. به فتوای وی امیرعلم خان چند نفر را گردن زد (بهارستان، ۱۳۷۱). گفته می شود روزی بر فراز منبر حکم کرد به مباح بودن ریختن خون راهزنانی که در برخی از راهها اقدام به اذیت مسافران و ربودن اموال آنها می کردند و مردم را به کشتن آنها تشویق کرد و از ثواب آن زیاد سخن به میان آورد. طبعاً این وظیفه که متوجه حاکمان قهستان بود، احساس تکلیف نمی کردند و مردم هم ساز و کار مبارزه با آنها و جرأت در گیر شدن با آنها را نداشتند. یکی از پامنبری ها صدا زد اگر کشتن محاربین و راهزنان اینقدر ثواب دارد چرا خود حضرت عالی شخصاً آنها را نمی کشید (سعیدزاده، ۱۳۶۹). مهر ایشان با سجع عبده الراجی ابوطالب الحسینی ۱۲۸۴ می باشد (نگاره ۱).

۱-۲- فعالیت های اجتماعی، سیاسی

آقا سید ابوطالب قاینی مردی فعال در امور اجتماعی بوده است، وی قائل به اجرای حدود و احکام در زمان غیبت امام زمان (ع) توسط فقیه جامع الشرایط بود که خود به این امر همت می گماشت. وی باورمند به اجرای امور حسبیه و حدود شرعی بود.

۲-۲- آقا سید ابوطالب در نظر سایر علماء :

- ۱- آیت الله حاج شیخ ابراهیم کرباسی کاخکی : سید ابوطالب را مصباح الشریعه می خواند.
- ۲- آیت الله محسن خنفر نجفی : سید ابوطالب را از واسطه های بین خدا و بندگان او و حجتی از ناحیه خدا بر مردم و او را از بزرگترین مجتهدان و فاضلترین محققان می داند.
- ۳- آیت الله سید محمد رضوی (قصیر خراسانی) : درباره سید ابوطالب می گوید : من او را زیرک و تیزهوش و بسیار دقیق یافتم.
- ۴- آیت الله محمد رحیم بروجردی : سید ابوطالب را دانشمند با عمل و فاضل کامل با تقوای پاک سرشت و خداپرست می داند.
- ۵- آیت الله مرعشی نجفی : سید ابوطالب را علامه فقیه و اصولی و محدث و متکلم و بارع می داند.
- ۶- آیت ... جواد عارفی : وی را لنگر الشریعه قاینات می نامد.
- ۷- آیت ... ضیاءالدین آیتی : به بزرگی و زعامت وی تاکنون در قاینات عالمی دیده نشده است.
- ۸- آیت ... ضیاءالدین آیتی : او را سید بزرگوار، فقیه کامل، برهان محققین و سلطان مدققین، حامی مذهب شیعه و مروج بزرگ اسلام می نامد.
- ۹- آیت الله محمد حسن هردنگی : او را عالم عامل و فقیه کامل و فاضل مجتهد می نامد.
- ۱۰- آیت الله محمد حسن هردنگی : او را سید مجاهد صاحب مفاخر و مناقب و پیروز بر علماء هم عصرش می داند.

۳-۲- آثار آقا سید ابوطالب :

ایشان بیش از ۲۰ جلد کتاب تالیف نموده است که مهمترین آنها به شرح ذیل است : کتاب دره الباهر، ینابیع الولاية، ما حی الضلالة و الغوايه، الکواکب السبع السیاره، مراه الوحده الحقه، کتابهای الدروس، مناسک حج و مکاسب از دیگر تالیفات او می باشد.

۲-۴- رحلت آقا سید ابوطالب :

جمعی از مورخان جریان فوت سید ابوطالب را به مباحث وی با ملاشمس ربط داده اند و نویسنده کتاب بزرگان قاین آن را ساختگی دانسته و عقیده دارد که ایشان مایل به همکاری با حکومت خاندان علم نبود گرچه ناچار به همکاری می شد و لذا اجرای مسائل شرعی توسط وی گاهی به اشکال بر می خورد و قتل سید توسط امیر علم خان سوم، حاکم قاین صورت پذیرفته است و جریان ملاشمس سرپوشی بر این جنایت بوده است. وی در سال ۱۲۹۳ برای انجام فریضه حج عازم بیت ۱... الحرام بود که در ۶ شوال همان سال در شهر کراچی وفات یافت. عمر با برکتش هم چون جد بزرگوارش، علی(ع) ۶۳ سال بود و مرقدش در شهر کراچی پاکستان می باشد(علیزاده، ۱۳۹۰).

۲-۵- سوالات :

سوال اول: آیا می توان گفت که آقا سید ابوطالب توسط ایادی امیر علم خان به قتل رسیده است.

پاسخ :

۱- این موضوع فقط در کتاب بزرگان قاین (سعیدزاده، ۱۳۶۹) بیان گردیده و منابع تاریخی قبل از تالیف این کتاب، این ادعا را تایید نمی کند و اگر این چنین می بود در کتاب بهارستان که نسخه اصل آن در سال ۱۳۲۷ شمسی چاپ شده است و نویسنده آن خود به واسطه پدرش شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی از شاگردان سید ابوطالب بوده(آیتی، ۱۳۷۱) می بایست این موضوع را بیان می کرد.

۲- بعد از فوت سید ابوطالب و سپس ملا علی اصغر خوسفی، ملا محمد حسن هردنگی از شاگردان خاص وی و سپس سید ابوتراب انوار پسر آقا سید ابوطالب، حاکمیت شرع ولایت قاینات را یدک می کشند.

۳- این از نظر اخلاقی، اجتماعی و سیاسی منطقی نیست که عالم بزرگی چون سید ابوطالب که بنا به نقل آیتی(۱۳۷۱) می گوید به بزرگی و عظمت و زعامت سید ابوطالب تاکنون در این مناطق عالمی دیده نشده و جمعی از مردم به تقلید از وی پرداختند، توسط امیر علم خان کشته شده و وی ملاحظه حوادث و شورشهای مردمی و مخالفت های روحانیون بزرگی چون ملا محمد حسن هردنگی، ملا محمد حسن خوسفی، ملا علی اکبر خراشادی و پسرش سید ابوتراب را نکرده باشد.

۴- اگر قبول کنیم که بعد از فوت سید ابوطالب، محمد حسن هردنگی تبانی کرده باشد باز نمیتوان پذیرفت که پسر سید ابوطالب به عنوان حاکم شرع قاینات به مدت ۱۸ سال در کنار قاتل پدرش و بعد از فوت امیر علم خان در کنار امیر اسماعیل خان پسر امیر علم خان باقی بماند.

۵- امیر علم خان به فتوای سید ابوطالب برخی از حدود شرعی از جمله گردن زدن عده ای را اجرا می کرده پس چه دلیلی داشته که بعد او را بکشد و از دید مورخین و علماء این مسئله مخفی بیافتد.

۶- یکی از عصرهای درخشان تقویت مذهب شیعه و امنیت فراوان در قاینات در زمان صدارت امیر علم خان و سپس پسرش امیر اسماعیل است و مساجد، حوزه های علمیه و موقوفات فراوانی ایجاد شده است که بستن اتهام قتل عالمی به بزرگی سید ابوطالب به این خانواده حداقل در آن زمان کاری به دور از منطق و مستندات است بالاخص که در پای برخی از موقوفات این خاندان مهر سید ابوطالب، محمد حسن هردنگی و سید ابوتراب دیده می شود(آیتی، ۱۳۷۱ و جلیلی و همکاران، ۱۳۹۴).

۷- در سفرنامه میرزا خانلرخان اعتصام الملک به سال ۱۲۹۳ قمری، وی نقل می کند که مریدان سید ابوطالب اطراف فرزندان را گرفته و او را همراهی می کنند و در آنجا هیچ نقلی از حادثه ای که در فوت آقا سید ابوطالب نقش داشته باشد بیان نمی کند و این نزدیکترین تالیف تاریخی در وصف آقا سید ابوطالب و آقا سید ابوتراب می باشد. ضمن اینکه میرزا خانلرخان در سفرنامه اش قید می کند که امیر علم خان احترام ویژه ای برای سید ابوتراب قائل است و در رشد و تربیتش می کوشد.

۸- در زمان سید ابوطالب علمای زیادی بوده اند که هر چند در حد علمی و معنوی ایشان نبوده اند اما توانایی هدایت امور شرعی قایمات را داشته اند آنچنانکه ملا علی اصغر خوسفی و ملا علی اکبر خراشادی از این موارد می باشد پس لزومی نداشته که سید ابوطالب همچنان این سمت را یدک بکشد و خیلی راحت می توانسته در صورت وجود عدم هم سویی با امرای وقت، این سمت را تحویل شخص یا مجتهد دیگری بدهد.

۹- در وصف سید ابوتراب انوار شیخ محمد حسین آیتی^۱ براحتی می نویسد وی تحمل خدمت در حضور امرای وقت را نداشت و به مشهد مهاجرت کرد، پس چه دلیلی دارد برای آقا سید ابوطالب نمی نوشت توسط افراد امیر علم خان کشته شده است.

۱۰- اگر این موضوع نیز درست می بود می بایست آیت ا. عارفی در خاطرات خود به این موضوع اشاره می کرد نه اینکه بیان می کردند آقا سید ابوطالب در سفر کراچی فوت نمودند (نظامدوست، ۱۳۹۲).



نگاره ۱- مهر آقا سید ابوطالب - عبده الراجی ابوطالب الحسینی ۱۲۸۴

^۱ ضیاء الدین محمد حسین فرزند آیت ا. محمد باقر آیتی گزاری از محققان، مجتهدان، شاعران و مورخان قرن چهاردهم هجری در بیرجند است. وی در نیمه ماه ذی القعدة سال ۱۳۱۰ هجری قمری در روستای مهمویی از توابع بیرجند چشم به جهان گشود و تا بیست سالگی در محضر پدر و در مدرسه معصومیه بیرجند مقدمات علوم اسلامی را فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیل حوزوی به مشهد مقدس رهسپار شد و در محضر میرزا عبدالجواد نیشابوری علوم ادبی را آموخت. در سال ۱۳۳۱ به گفته خودش از طریق قفقاز، ترکیه، سوریه و لبنان به مکه مشرف شد و به زیارت روضه منوره حضرت رسول نائل آمد و از آن جا به زیارت مشاهد مشرفه ائمه هدی (ع) در عراق رفت. پس از بازگشت به ایران مدت دو سال در حوزه اصفهان به تحصیل پرداخت. برای تکمیل اندوخته هایش به نجف اشرف رفت و در آن جا مبانی فقه و اصول را فرا گرفت و از محضر اساتید تراز اول نجف چون: سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ محمد کاظم شیرازی، شیخ علی شاهرودی به دریافت اجازه اجتهاد نائل شد. در سال ۱۳۴۲ هجری قمری به زادگاهش بیرجند مراجعت و تا پایان عمر به کار تدریس، تالیف، ارشاد مردم، حل و فصل دعاوی و اقامه نماز جماعت مشغول شد. آیت ا. محمد حسین آیتی علاوه بر تسلط در فقه شیعه در فن سخنوری، شعر و نشر تبحر خاصی داشت. از وی اشعاری به فارسی و عربی باقی مانده که نمونه هایی از آن را می توان در کتاب بهارستان او یافت. از نظر اخلاقی فردی متواضع و فروتن بود که در مصاحبت با اقشار مختلف مردم این مورد نمایان می شود و همه از مصاحبتش لذت می بردند. گنجینه لطیفی که در خاطر داشت، پایان ناپذیر بود. بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قهستان، شرح کفایه الاصول، دیوان شعر امام حسین علیه السلام، در الفرید فی ماروی عن السبط الشهید، تذکره شعرا قهستان، دیوان در غلطان، فوائد العقول (در مسائل فقه و اصول)، مقامات معنوی، مقامات الابرار (در پنج دفتر) و در المنظوم فی مقتل الامام المظلوم. آیت الله شیخ محمدحسین آیتی سرانجام در سال ۱۳۹۱ قمری مصادف با سال ۱۳۴۹ شمسی دعوت حق را لبیک گفت و به سوی معبودش شتافت.

۳- آیت ا... علی اصغر سرچاهی خوسفی :

فرزند مرحوم مولانا محمد حسن بن محمد سرچاهی خوسفی قایینی، دانشمندی بزرگ و فقیهی سترگ از نویسندگان و مدرسین و مفسر سده چهاردهم هـ. ق و از فقهای نامور ایران در سده سیزده است. وی تحصیلات اولیه خود را در حوزه های علمیه قاینات سپری و دوران تحصیلات عالیه علوم را در حوزه علمیه اصفهان به پایان برده و از ارکان علمی آن روز حوزه مانند سید حسن اصفهانی، محمد مهدی کرباسی، شیخ راضی نجفی و میرزا محمد هاشم خوانساری اجازه اجتهاد داشته است. در ایام اقامت در نجف به مجلس شیخ راضی نجفی می رفت. از محمد مهدی کلباسی و دیگر استادانش اجازه اجتهاد دریافت کرد. پس از طی مدارج علمی و کسب اجازه اجتهاد به زادگاهش بیرجند برگشت و در آنجا علاوه بر امامت جمعه و جماعت به امر تدریس نیز پرداخت. محمد رضا شریف و شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی از شاگردان او بودند (علیزاده، ۱۳۹۰). در بهارستان آیتی نقل شده زمانی که آقا سید ابوطالب در تاریخ ۱۲۹۳ قمری برای سفر حج به کراچی رفته بود، وی متصدی امور شرعیه در قاینات می گردد و در همان سال، همزمان با فوت سید در کراچی او نیز در قاینات فوت می کند (آیتی، ۱۳۷۱).

۳-۱- ملا علی اصغر سرچاهی خوسفی در نگاه علماء :

۱- آقا بزرگ تهرانی : وی را بسی ستوده و می گوید در همه علوم و فنون سر رشته داشت ولی در علوم دینی و اسلامی درخشندگی خاصی از او نمایان بود.

۲- آیت ا... ضیاءالدین آیتی : وی را عالم فاضل زاهد می نامد

۳- آیت ا... میرزا محمد حسن شیرازی : وی را متقی کامل و عالمی دقیق می نامد.

۴- خانلرخان : ملا علی اصغر مقدم بر سایر علمای بیرجند و مرد با تتبعی است.

۳-۲- آثار علمی :

تفسیر قرآن، به روش عرفانی، تفسیر قرآن به روش اخباریون، شرح مختصر النافع در فقه، شرح الفیه ابن مالک در نحو، دقایق النکات فی تحقیق مذاهب النجاه. متأسفانه نگارنده موفق به پیدا کردن تصویر مهر ایشان در اسناد فعلی نشد ولی آنچه که در ذهن مانده این است که مهر ایشان با سجع عبده الراجی علی اصغر است (علیزاده، ۱۳۹۰).

۴- آیت ا... محمد حسن هردنگی :

ملا محمد حسن هردنگی از عمده علمای قهستان بوده که در مراکز علمی قاینات شخصیت علمی آن مرحوم بر احدی از دانشمندان آن عصر پوشیده نبوده است و فضلاء وقت از محضر درس وی تلمذ و با عنوان برجسته ترین شخصیت های علمی او را معرفی می نموده اند. او در حدود سال ۱۲۶۳ هجری قمری و به نقل دیگری ۱۲۶۰ قمری در قریه مبادی از توابع ناحیه هردنگ متولد شد و در ۲۷ ذیعقده ۱۳۲۷ قمری پس از یک عمر زندگی شرافتمندانه به رحمت ایزدی پیوست. گویا اولین کسی که از این خاندان پای در دایره علم و فضل گذاشته است حاجی ملاعلی جد اوست. پدرش ملا محمد رفیع نیز مردی دانشمند بوده و در زادگاه خود که همان روستای مبادی بوده به ارشاد محصلین علوم دینی اشتغال داشته و آخوند مقدمات صرف و نحو و قسمتی از فقه و اصول را نزد ایشان خوانده است (راشد، ۱۳۴۲ و راشد، ۱۳۴۵). تخصص آن مرحوم در فقه و اصول و دارای مرتبه اجتهاد بوده و در صرف و نحو عربی، لغت، معانی، بیان و بدیع، عروض، منطق، تفسیر، کلام، حدیث، رجال و درایه نیز استاد بوده است، علاوه بر اینها در فلسفه، حساب، جبر، مقابله و هندسه و هیات قدیم دست داشته و تدریس می نموده است. وی در حدود سال ۱۲۸۶ قمری یعنی حدود ۲۳ تا ۲۶ سالگی توانست؛ اجازه اجتهاد، افتاء و روایت را از اساتید خود از جمله آیت الله

سیدابوطالب مجتهدحسینی قاینی (از مراجع عظام در خراسان) دریافت کند. وی مجتهدی بود که علی رغم در اختیار داشتن وجوهای شرعی و امکانات مادی دیگر، به دلیل ساده‌زیستی فراوان در اواخر عمر توانایی خرید حیوان سواری را هم برای رفت و آمد نداشته است.

۴-۱- جایگاه اجتماعی

ملا محمدحسن هردنگی در بین علمای وقت و حکومت حاکمان زمان خویش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. ایشان در مکتوبات بزرگانی چون آیت‌الله محمد هادی هادوی، آیت‌الله سیدابوطالب مجتهدحسینی قاینی، آیت‌الله العظمی سیداسماعیل صدر موسوی و آیت‌الله شیخ محمدحسین راشد با احترام و بزرگی یاد شده و نیز از علمایی چون: سیدابوطالب مجتهدحسینی قاینی و آیت‌الله العظمی سیداسماعیل صدر موسوی اجازه‌نامه دریافت کرده است (غوث، ۱۳۷ و جلیلی و همکاران، ۱۳۹۷).

ارزش و احترام آخوند از دیدگاه حکومت آنقدر بالا بوده است که در بیش از ۷ حکم مختلف از سال ۱۲۹۹ قمری به صورت مستقیم و غیر مستقیم تا پایان عمرش، ۲۸ سال از پرداخت مالیات سالیانه معاف بوده است، در حالی که وجود یک چنین احکامی را در سایر شخصیت‌های مشابه پیدا نمی‌کنیم. این احترام از سوی حکومت در حقیقت به دو دلیل صورت می‌گرفته است: ۱- حاکم شرع قهستان ۲- استاد حوزه‌های علمیه قاینات.

۴-۲- فعالیت‌های اجتماعی هردنگی

۱- به مدت ۴۲ سال به عنوان حاکم شرع یکی از بلوک‌های ۹ گانه قهستان و حداقل به مدت ۸ سال به طور قطع حاکم شرع قهستان و از سال ۱۲۸۶ قمری تا زمان فوتش، دارای نوعی نظارت بر مسائل شرعی قاینات بوده است (راشد، ۱۳۹۲).

۲- استاد نمونه حوزه‌های علمیه قاینات و بیرجند به مدت ۴۲ سال، که منجر به پرورش شاگردانی در قاینات شد که بعدها برخی از آنها از مجتهدین و عالمان قاینات شده‌اند. شیخ محمد بن عبدالحسین قاینی؛ نجف بن علی اکبر بیرجندی؛ محمدحسین قاینی کاخکی، شیخ محمد قاینی؛ سیدحسن فقیه؛ شیخ محمد عرب؛ سیدمحمدرضا صامتی؛ سیدحسن تهامی، محمدهادی هادوی و غیره (علیزاده، ۱۳۹۰ و جلیلی و همکاران، ۱۳۹۸).

۳- شجاعت و جسارت وی نسبت به حاکمان قاینات در رسیدگی به حساب‌های مالی و بالطبع مسائل نقدی شرعی

۴- وقف و بخشش اموال خودش به مردم جهت عزاداری، قرآن‌خوانی و... به تعداد ۵ مورد.

۵- بانی اصلی ایجاد مزار امامزاده سیدالحسین دهک عربخانه (مزار متعلق به حسین بن علی عبیدالله بن العباس بن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌باشد که جناب آخوند با نفوذ سیاسی و اجتماعی خود و با جمع آوری کمک‌های نقدی و غیر نقدی توانست در سال ۱۳۱۷ قمری این بقعه را تعبیر اساسی نماید (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۴).

۶- توصیه به احداث حسینیه شوکتیه بیرجند در حدود ۱۳۰۸ قمری به امیر اسماعیل خان

۷- رسیدگی به امورات موقوفات و مالیات در قاینات به مدت ۱۸ سال به تعداد ۱۰۰۰ مورد که اسناد آن موجود است.

۸- از اثرات تعلیمات این عالم بزرگ در منطقه ناحیه هردنگ که بعدها در مردمان محلی باقی ماند، تقویت حس مذهبی و مخالفت با کشف حجاب رضاخانی می‌باشد که این از افتخارات مردمان این منطقه به نسبت خیلی از نقاط کشور می‌باشد.

۴-۳- جایگاه علمی و معنوی آخوند در بین علماء و امرای قاینات:

آیت... سید ابوتراب انوار: وی را جناب مستطاب علام فهام موتمن و ممتحن مهربان می نامد.

آیت... سید ابوتراب انوار: وی را عالم مردمدار، مهربان و خوشرفتار در برخورد با مردم بیان می کند.

آیت... سید ابوطالب قاینی: وی را دارنده دانش فراوان و حقایق ابواب می نامد.

آیت... سید ابوطالب قاینی: وی را با عنوان کسی که خداوند او را فقیه گردانید نام می برد.

آیت... سید اسماعیل صدر: وی را عمده العلماء العظام و تایید شده از سوی خداوند می داند.

آیت... سید اسماعیل صدر: وی را به مانند قبله در بین مومنین و کسی که خدا به او عزت داد یاد می کند.

آیت... سید اسماعیل صدر: وی را عالم عامل و دانشمند مهذب کامل می نامد.

آیت... محمد هادی هادوی: وی را برکت و نعمت در قاینات می داند.

آیت... محمد هادی هادوی: وی را با عنوان شخصی که انتظاما امتیاز مخصوص و ویژه ای در کلیه قاینات داشته یاد می کند.

آیت... محمد هادی هادوی: وی را دارنده القاب بزرگ و عمده علمای عامل در قاینات یاد می کند.

آیت... محمد حسین راشد محصل: وی نقل می کند از هر یک از علماء معمر، عقلاء و افاضل قاینات که از شخصیت علمی و معنوی آخوند سوال کردم، شرح مفصلی از شخصیت، مقام علمی و معنویت آن مرحوم یاد و حتی بعضی از افاضل، بزرگواری و صفات معنویت وی را به حد کمال می ستوده اند (راشد، ۱۳۴۵).

امیر علم خان^۲ حشمت الملک در سال ۱۲۹۹ قمری درباره وی می گوید: نظر به التفات و مرحمت عامه مردم که به قاطبه سلسله علماء و دعاگویان داریم خصوصا جناب مستطاب علام آخوند ملا محمد حسن ...

امیر علم خان حشمت الملک در سال ۱۲۹۹ قمری: وی را جناب مستطاب مقدس الالقباب زید فضلہ می نامد.

امیر علم خان حشمت الملک در سال ۱۳۰۰ قمری: وی را جناب مستطاب فضائل و کمالات اکتساب علام فهام که به محسنات صوری و معنوی آراسته می باشند می نامد.

امیر اسماعیل خان خزیمه به تاریخ ۱۳۱۱ قمری: وی را جناب مستطاب فضائل و کمالات اکتساب، علام فهام عزیز مکرم و مهربان می نامد.

امیر اسماعیل خان^۳ خزیمه به تاریخ ۱۳۱۶ قمری: وی را جناب مستطاب قدوسی و قدوسی نصاب علام فهام عزیز مکرم می نامد.

امیر اسماعیل خان خزیمه به تاریخ ۱۳۱۸ قمری: وی را جناب مستطاب فضائل مآب عزیز ممتحن می نامد.

^۲ در حدود سالهای ۱۲۷۵ تا ۱۲۷۷ هجری قمری امیر علم خان سوم به عنوان هشتمین امیر خاندان خزیمه حکومت قاینات را در دست گرفت. وی را قویترین امیر از خاندان خزیمه می دانند که در زمان او ولایت سیستان نیز ضمیمه قاینات شد و بدلیل داشتن ۱۰ هزار تفنگدار از سوی دولت قاجار به وی امیر تومان می گفتند (مهر وی باسجع الراجی علم به تاریخ ۱۲۷۵ قمری است) (نگاره ۲۴).

^۳ در سال ۱۳۰۹ هجری قمری امیر اسماعیل خان به عنوان نهمین امیر خاندان خزیمه حکومت قاینات را در دست گرفت (مهر وی با سجع عبده الراجی اسماعیل به تاریخ ۱۳۰۹ قمری است) (نگاره ۲۵).

امیر محمد ابراهیم خان^۴ حشمت الملک به تاریخ ۱۳۲۲ قمری : وی را جناب مستطاب قدس خطاب عمده العلماء الاعلام عزیز محترم مهربان علام ممتحن ذی فضلہ می نامد.

محمد ابراهیم خان حشمت الملک به تاریخ ۱۳۲۴ قمری : وی را شریعتمدار مکرم مخدوم محترم مهربان دام افاضه ا... العالی می نامد.

۴-۴- دلایل شهرت آخوند :

۱- مناظره وی با آقا سید مرتضی یزدی مشهور به شیخ مرتضی که از فحول علمای آن زمان حوزه علمیه مشهد بوده در حضور علماء و امراء قهستان که با تیزبینی خاصی از نظرات خود در فقه و کلام را بر او اثبات و برخی از نظرات وی در فقه و کلام را رد و وی را مجاب می کند (غوث، ۱۳۹۷) (شیخ محمد باقر گزاری از شیخ مرتضی به عنوان علامه و یکی از اساتید خود در مشهد یاد می کند).

۲- محاوره وی با قاضی القضاات هرات و مفتی این شهر مشهور به شمس الدین فاضل هروی^۵ در روز عید غدیر در شهر هرات در حدود سال ۱۲۸۶ قمری که موضوع جانشینی حضرت علی (ع) بعد از پیامبر را اثبات و وی را در حضور علمای حاضر مجاب می نماید (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۶).

۳- نفوذ شرعی و سیاسی وی در کلیه قاینات در بین خواص و عوام و تدریس وی در حوزه های علمیه بیرجند و قاینات

۴- اینکه هر چند اقامت نامبرده در هردنگ بوده ولی بدلیل تسلطش بر علوم مختلف حوزوی همیشه برای شرکت در مجالس بحث از او دعوت می شده است و در یکی از همین محافل بوده که با ملا ابراهیم گزیکی که علمای بیرجند را در مقابل خود عاجز نموده بود مجاب و عقایدش را که بر پایه صحیح استوار نبوده رد کرده است (راشد، ۱۳۴۲، راشد، ۱۳۴۵).

۴-۵- آثار ملا محمد حسن

کتاب اعتقادات و اصول معارف :

- ۱- این اثر قابل مقایسه با اثر کشف المراد علامه حلی است که وقف بر توسعه علوم اسلامی گردیده اس (ولوی، ۱۳۹۶).
- ۲- سفرنامه هرات ملا محمد حسن مجموعه ای از مباحثات وی با علمای اسلام در هرات به منظور تقریب مذاهب و ایجاد وحدت اسلامی بوده است و وی به امر استادش به اتفاق سیدابوتراب پسر آقا سیدابوطالب که بیمار بوده، در حدود سال ۱۲۸۶ قمری در حالیکه جوانی ۲۳ ساله بوده به عنوان نماینده قاینات و سیستان از سوی علما در آن مباحثات شرکت داشته است و حاصل مسافرتش سفرنامه ای بوده که در این کتاب شرح کارهایی که در ضمن مسافرت انجام داده و همچنین مباحثاتی که با علمای تسنن داشته، به خصوص متن مذاکرات خود با شمس الدین هروی را در آن جا نقل کرده است (هردنگی، ۱۳۰۲ ق).
- ۳- دیوان اشعار که در آن تخلص به صفا دارد. او همچنین طبع شعر خوبی داشت و از این رو دیوان اشعاری مشتمل بر ۱۰۰۰۰ بیت از او به جا مانده. بیشتر اشعار وی در مدح و مرثیه خوانی اهل بیت است. در ذیل قطعه ای از وی در وصف آیت ا... سید ابوطالب حسینی قاینی می آید :

^۴ در سال ۱۳۲۲ هجری قمری امیر محمد ابراهیم خان شوکت الملک به عنوان دهمین امیر خاندان خزیمه حکومت قاینات را در دست گرفت (مهر وی با سجع الراجی محمد ابراهیم به تاریخ ۱۳۱۷ قمری است) (نگاره ۲۶).

^۵ شمس الدین محمد بن سید عبدالرحیم معروف به ملا شمس ملقب به ملاخان مفتی هرات که کتابی به نام شمس الهدایه و قالع الضلاله در سال ۱۲۳۹ قمری در ابطال مذهب شیعه نوشته است. وی در حدود سال ۱۲۹۵ قمری فوت نموده است.

به حکم آنکه پسر از پدر برد میراث * به علم و حلم و سخا صاحب مناقب شد
 به بحر معرفتش هر کسی که شد غواص * چه دُرهای گرانمایه را که صاحب شد
 همان کسی که قضایای موجبات فساد * به حکم محکم او در جهان سوالب شد
 زهی فضیلت و دانش که آسمان اصول * ز فکر و دقت او صاحب کواکب شد
 ریاض فقه چه خرم شد از ینابیعش * فواید فقها حاصل از مکاسب شد
 طریق معرفت حق ز دره اش ظاهر * ضیاء و لولواش زینت مصایب شد
 اصول معتقداتش اصول علم و کلام * فواید غروی چون شهاب ثاقب شد
 گر از سوال و جوابش کنم سوال و جواب * شמוש فضل افضل به دهر غارب شد
 ز ما حی الظلماتش به عون هشت و چهار * چنانچه خواست دلت رغم افت ناصب شد
 چه از رساله وقفش وقوف جمله خلق * صحیح و فاسد آن خالی از شوایب شد
 نه احتیاج به مرکوب اشتر بادی * نه هم سنان قم بر کسیکه راکب شد
 به سوی اخذ مناسک تو را اگر میل است * به گرد حوزه درشش طواف واجب شد
 پس از نوشتن تعلیقه بر فواید شیخ * مصنفات بسی نسخه المناکب شد
 پی صلوه مسافر و مسافران جهان * مقیم درگه او از چهار جانب شد
 دروس حج و قضا و شهادت شد شاهد * که حرف مدعیان در قضیه کاذب شد
 مصنفات جنابش نمی شود احصاء * اگر تمام جهان فی المثل محاسب شد
 اگر شماره کنم شطری از کراماتش * تو گفتیش به یقین مظهر العجایب شد
 دراز عمر شریفش که در شداید دهر * معین خلق جهان جمله در نوایب شد
 صفا به حشمت او بنگر و تماشا کن * چگونه اشرف اعلام و از نوادر شد
 خدا به حکمت خود داد علم و تقوی * به او که در همه جا افضل الفضایل شد

۴- سایر آثار: رساله توحید، رساله ای در اخلاق، رساله ای در بیان فدک و رساله عملیه.

۴-۶- سوالات:

سوال اول: بر چه اساسی می توان به این نتیجه رسید که ایشان در ۲۲ یا ۲۵ سالگی به درجه اجتهاد رسیده است. پاسخ:

۱- اشاره آخوند در ابتدای دیوان اشعارش خود معرف این موضوع است که نقل آن در ادامه می آید: .. و ختم تلمذ حقیر در این زمان به عالم عامل و فقیه کامل الفاضل المجتهد و السید المجاهد صاحب المفاهیر والمناقب والفائق علی العلماء الدین عصرهم لعصره مقارب، آقا سید ابوطالب مجتهد قاینی گردید و آن جناب صاحب تصانیف کثیره و رسائل حسنه در فقه و اصول می باشند که همه آنها را به درس برایشان خواندم و اکنون که از سن مبارکش ۵۵ سال می گذرد تصنیفات ایشان بیش از ۵۰ هزار است و...." (راشد، ۱۳۳۶). از آنجاییکه آقا سید ابوطالب در سال ۱۲۹۳ قمری و در سن ۶۳ سالگی فوت کرده و آخوند از سن ۵۵ سالگی استادش یاد می کند پس زمان شروع تاریخ نگارش دیوان اشعار آخوند، زمان اتمام درس و اخذ درجه اجتهاد وی در سال ۱۲۸۵ تا ۱۲۸۶ قمری اتفاق افتاده است.

۲- حال اگر تاریخ تولد آخوند را ۱۲۶۰ قمری بدانیم ختم تلمذ و اجتهاد ایشان در ۲۵ سالگی و اگر تاریخ تولد آخوند را ۱۲۶۳ قمری بدانیم ختم تلمذ و اجتهاد ایشان در ۲۲ سالگی اتفاق افتاده است.

۳- این محاسبات با تاریخ درون مهر آخوند که برابر ۱۲۸۶ قمری (نگاره ۲) و در حقیقت بیانگر اجازه ایشان برای دخالت در امورات شرعیه قاینات است مطابقت دارد.



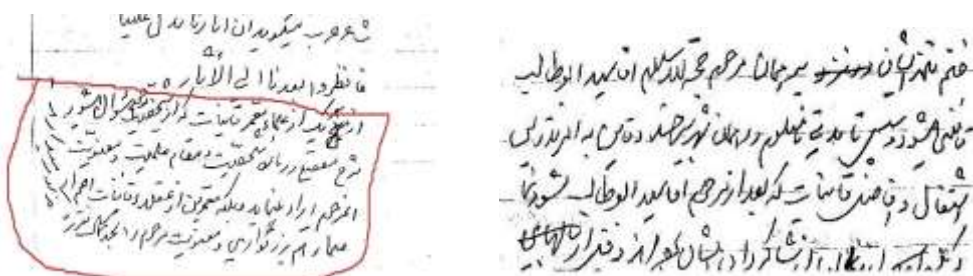
نگاره ۲ - مهر آیت ا... محمد حسن هردنگی - عبده الراجی محمد حسن ۱۲۸۶

سوال دوم: از حدود سال ۱۲۹۳ قمری یعنی تاریخ فوت آقا سید ابوطالب مجتهد قاینی که حاکمیت شرع را در قهستان بر عهده داشتند تا سال ۱۲۹۹ قمری که این جایگاه به فرزند آقا سید ابوطالب می رسد، چه کسی عهده دار این مسئولیت مهم در قهستان بوده است.

پاسخ:

۱- شاید بتوان یکی از مجهولات تاریخ حاکمیت‌های شرع در قهستان از سال ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۹ قمری دانست. چرا که در هیچ منبعی اشارتی به حضور شخصیتی تاثیر گذار در این دوران نمی شود؛ پس کدامین عالم و فقیهی بوده است که حوزه های علمیه قاینات و مسائل شرعی و سایر امورات را در این منطقه رهبری می کرده است؟

۲- بر اساس آثار باقیمانده دست نوشته های شیخ محمد حسین راشد^۶ که متذکر می گردد ایشان مدت زیادی را بعد از رحلت آقا سید ابوطالب مجتهد قاینی عهده دار جلسات تدریس علوم دینی در قاینات بوده اند؛ می توان به این نتیجه رسید که فطرت و وجودی که راهبری این دوران را بر عهده داشته آخوند ملا محمد حسن بوده است (نگاره ۳).



نگاره ۳ - قسمتی از دست نوشته های آیت ا... راشد در وصف آخوند ملا محمد حسن هردنگی

^۶ شیخ محمد حسین راشد فرزند شیخ محمدرضا از علماء و مجتهدان بیرجند است که در سال ۱۲۷۹ شمسی در روستای افضل آباد دهستان قیس آباد مازان شهرستان خوسف در خانواده ای روحانی متولد گردید. علوم دینی را در بیرجند و سپس در مشهد تا سطوح عالی دنبال کرد و از چند تن از علمای آن زمان به ویژه حاج میرزا محمد کفایی خراسانی اجازه اجتهاد گرفت. وی تا سال ۱۳۴۴ خورشیدی بخش اعظمی از دروس حوزه علمیه بیرجند که زیر نظر آیه الله سیدحسن تهامی (وی از فرزندان امامزاده حضرت سید مرتضی (علیه السلام) و یکی از مراجع بزرگ عالم تشیع و از مفاخر برجسته حوزه علمیه نجف و از شاگردان نخبه آیت الله نایینی و مرحوم میرزا بود) اداره می شد را تدریس و از این پس به مدت ده سال در شهر مشهد تدریس و تفسیر قرآن و درس کشف المراد را در مدرسه آیت ا... میلانی برعهده داشت. ایشان سرانجام در سال ۱۳۵۳ به رحمت ایزدی پیوست و در جوار بارگاه رضا (ع) به خاک سپرده شد (جلیلی و همکاران، ۱۳۹۷).

۳- در سندی به تاریخ ۱۲۹۷ ه.ق آخوند به امیر علم خان سوم حکم حکومتی می دهد که متن آن در ادامه می آید (نگاره ۴).

هو الله تعالی شانه

امیرالامراء العظام حشمت الملک امیر تومان حساب سال توشقان ٹیل قاین و خوسف و سیستان ابواب جمعی شما قراری است که کارگزاران و افراد در این کتابچه جمع و خرج تا اسناد دیوانی را به خرج شما آورده اند اسناد خودتان را بسرکارگزاران سرکاری بسپارید که خط فسخ و بطلان درکشند و این کتابچه را به جهت سند و مفاصا حساب خود ضبط نمایند. به تاریخ شهر جمادی الاولی سنه ۱۲۹۷- متن مهر - مهر عبده الراجی محمد حسن - ۱۲۸۶

۴- آخوند از سال ۱۲۹۹ قمری به زادگاهش بر می گردد و علاقه ای به حضور در بلاد بیرجند از خود نشان نمی دهد در حالی که با بودن در این شهر می توانست از مزایای واقعی نزدیکی به حکومت برخوردار گردد نه فقط معافیت مالیاتی آنها، آنچنانکه حتی محل دفن آخوند نیز کاملاً گمنام و هم اکنون در ۱۰۰ کیلومتری بیرجند در روستای خالی از سکنه مبادی هردنگ قرار گرفته ولی علمای همتراز او حداقل از قبور در شان خود بهره مندند. آیا شخصی که وابستگی شدید به دربار داشته لیاقت بهره مندی از قبری مناسب شان و منزلت خود را نداشت؟

۵- در یک استفتاء از آخوند به تاریخ ۱۲۹۶ قمری ایشان به شخص سوال کننده که احتمالاً از امناء شرع در آن زمان بوده ولی مشخصاتی از او در سند نیست، ذکر می کند که معنی ندارد که به موازین شرعیه عاجز باشید از ردع و منع متمردین از شریعه غراء با تایید از کارگزاران دیوان اعلاء، که این جمله نشان از وجود آخوند در راس حاکمیت شرع داشته چرا که به صراحت قید می کند نیازی به ارجاع این مسئله به کارگزاران دیوان اعلاء نبوده است و آن شخص سوال کننده را ملامت می کند (نگاره ۵).

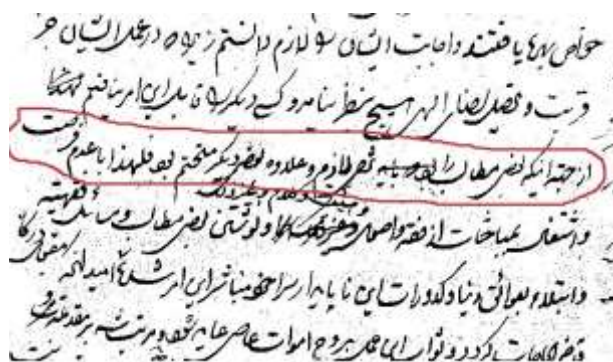


نگاره ۴- سند حکم حکومتی آخوند ملا محمد حسن به امیر تومان جهت رسیدگی به حساب مالی سالیانه خود



نگاره ۵- سندی که اشاره به حاکمیت شرع آخوند دارد

۶- نکته مهم در منحصر بودن آخوند حداقل از نظر علمی در سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۲ قمری اشارت خودش در ابتدای کتاب اعتقادات و اصول معارفش می باشد چنانکه او برای ترجمه کتاب اعتقادات آقا سید ابوطالب می نویسد ".... کسی دیگر را قابل این امر نیافتم از جهت اینکه بعضی مطالب را شرحی لازم و علاوه بعضی دیگر محتتم بود. با توجه به اینکه زمان اتمام این کتاب ۱۳۰۲ هجری است، پس حداقل با گذشت ۱۰ سال از زمان فوت آقا سید ابوطالب هنوز فقیهی که بتواند در علوم مختلف حوزوی صاحب نظر باشد نبوده تا بتواند رساله کلام سید ابوطالب را ترجمه نماید نبوده است (نگاره ۶).

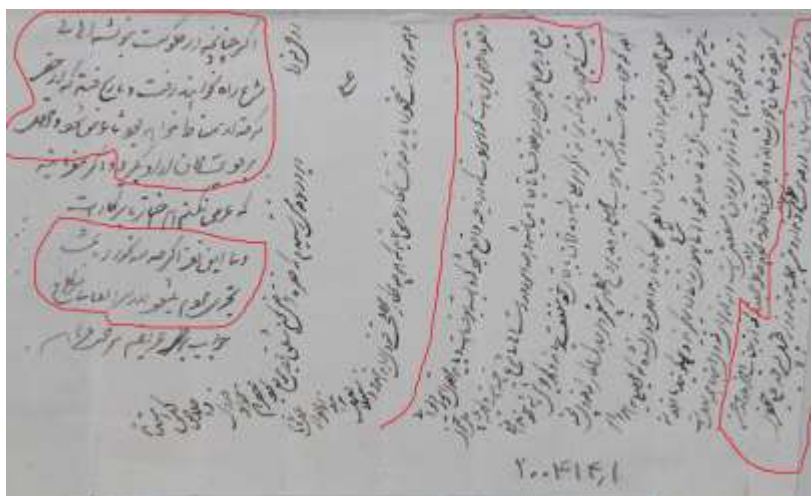


نگاره ۶ - صفحه ابتدایی کتاب تاملات کلامیه آخوند که ۲۲ صفحه از ۱۷۳ صفحه آن ترجمه و تفسیر رساله اعتقادات سید ابوطالب است و آخوند در صفحه ۲ رساله خود، دلیل نگارش کتاب را قید می کند

سوال سوم: شاید آخوند بیش از حد وابسته به حکومت و به نوعی آخوند درباری بوده است.

پاسخ:

۱- در سندی شخصی که احتمالاً رئیس دیوان مالیه قاینات است به امیر قاینات می نویسد که اموراتی که در ناحیه هردنگ می شود برخلاف سایر نقاط که کارگزار دیوانی دارد همه امورات آن توسط حاکم شرع صورت گرفته و تا به مردم در مسائل مختلف گیر می دهیم می گویند که از آخوند ملا محمد حسن نامه می گیریم که حرف ایشان در حکومت نرو ندارد و اگر حکومت به حرف او نخواهند کرد تا محصل فرستاده و خراج گرفته شود و گر نه هم که امر فرمان شماست و در هر صورت این آخوند اگر صدمه نخورد گستاخ تر می شود (نگاره ۷).



نگاره ۷ - سندی که در آن یکی از مقامات قاینات از قدرت نفوذ شرعی آخوند در ناحیه هردنگ و حکومت به امیر قاینات اخطار می دهد

۲- در این سند مشخص است که آخوند از احترام بالایی در پیش امرای قاینات برخوردار بوده چرا که تمام امورات مالی قاینات که توسط نایبهای حکومتی صورت می گرفته در این بلوک توسط حاکم شرع آخوند ملا محمد حسن هردنگی صورت می گرفته است.

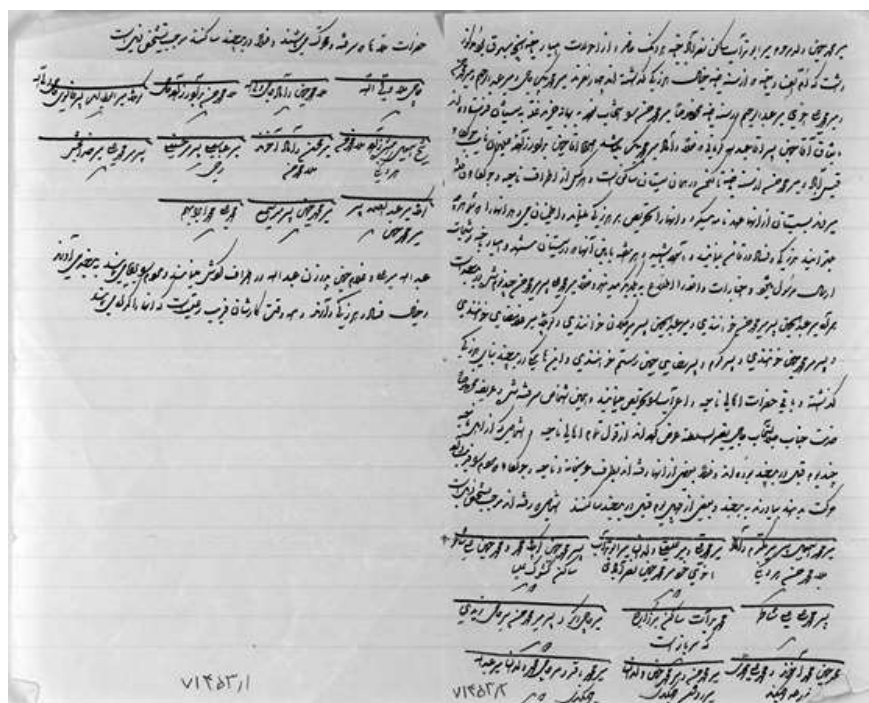
۳- به نظر می آید امرای وقت قاینات از عظمت و بزرگی و احترام آخوند در بین مردم و به علماء می ترسیدند چرا که این شخص در نامه می نویسد اگر به حکم آخوند ملا محمد حسن هردنگی عمل نخواهید کرد تا اقدام کنم.

۴- ولایت مطلقه آخوند در این بلوک (شهرستان فعلی) از بلوکهای ۹ گانه قاینات (خراسان جنوبی فعلی) خود نشانگر بزرگی جایگاه علمی و معنوی وی در حکومت داشته که باعث شده به گونه ای کاملاً مستقل عمل نموده تا موجبات نارضایتی برخی از مقامات بلند پایه قاینات را برانگیزد.

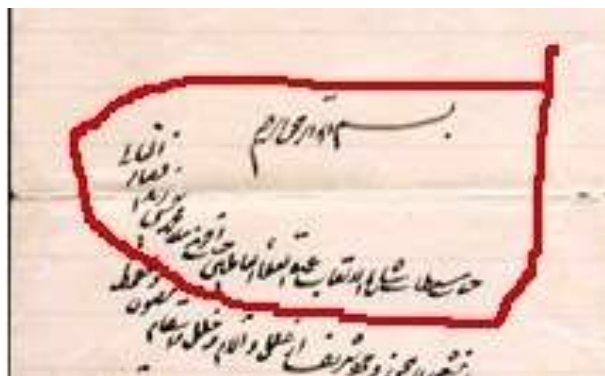
۵- این سند در اسناد خانوادگی آخوند یافت شده است، یعنی اینکه این نامه دوباره از طریق حکومت به دست جناب آخوند رسیده و این موضوع نیز دلیلی است بر تسلط مذهبی بالای آخوند بر تصمیمات و رفتارهای امرای قاینات

۶- موضوع درباری بودن آخوند باز هم نمی تواند صحیح باشد و از بررسی اسناد اینگونه بر می آید که آخوند و حتی طایفه اش در نوع زندگی و دیدگاههای حکومتی و سیاسی دارای اختلافات عمیق و زیادی با امرای وقت قاینات بوده اند و در پاره ای موارد حتی بر علیه حکومت محلی زمینه ساز فتنه و شورش بوده اند. در تایید این جملات خواندن سند ذیل توصیه می شود: در سند حکومتی به شماره ۷۱۴۵۳/۱ حکومت قاینات و سیستان؛ کارگزار حکومتی بنا به گزارش واصله به محمد ابراهیم شوکت الملک می نویسد که افراد و ملأهای ذیل در ناحیه هردنگ، قصد هرزگی و توطئه بر علیه حکومت داشته و در این موضوع ارتباطی هم با حاجی نصیر السلطنه داشته اند و لازم است که این افراد مهار تا مایه شورش و سرکشی مردم مناطق عربخانه، جلگه ماژان و ناحیه هردنگ بر علیه شما نشوند و حتی در حال تحریک اعراب در بیرجند و سیستان می باشند: حاجی ملا ولی ا. (پسر عمو و داماد ملا محمد حسن هردنگی)، میر محمد اسماعیل پسر میر مکرم داماد و پسر عمه ملا محمد حسن هردنگی، آقا حسین خان پسر عبدا. خان کرمانی داماد میر محمد بیک (نایب حکومت) و برادر زاده علیخان شیبانی (نایب جلگه قیس آباد)، شیخ اسماعیل همشیره زاده ملا محمد حسن هردنگی، میر محسن داماد ملا محمد حسن هردنگی و غیره (نگاره ۸).

۷- در نامه ای به تاریخ ۱۳۲۷ قمری جناب آقای هادوی از آخوند ملا محمد حسن می خواهد دعوی ۲ نفر را که مدتهاست ادامه دارد حل و فصل نماید و در آن از آخوند با صفاتی چون شامخ الاقباب و عمده ترین عالم عمل کننده به دین و علمش در قاینات یاد می کند که نمونه این ادبیات را در هیچ مکاتبه ای بین آقای هادوی و سایر روحانیون نمی بینیم (نگاره ۹).

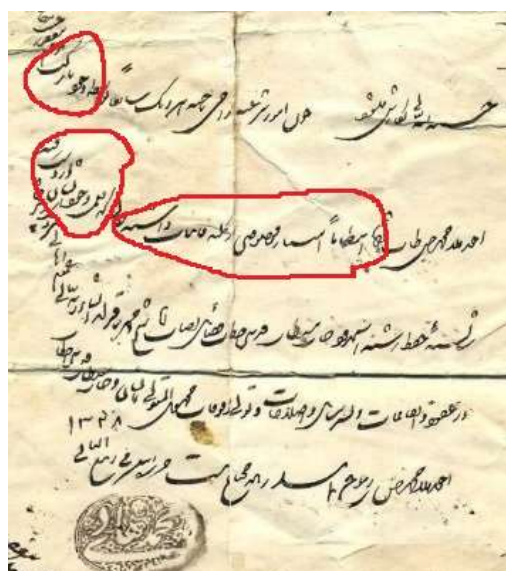


نگاره ۸ - سندی دال بر تدارک دیدن شورش بر علیه حکومت محمد ابراهیم شوکت الملک توسط اقوام و خویشان آخوند هردنگی



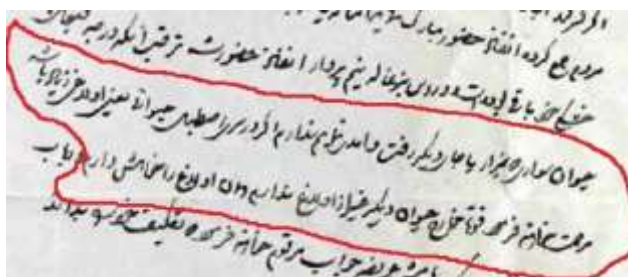
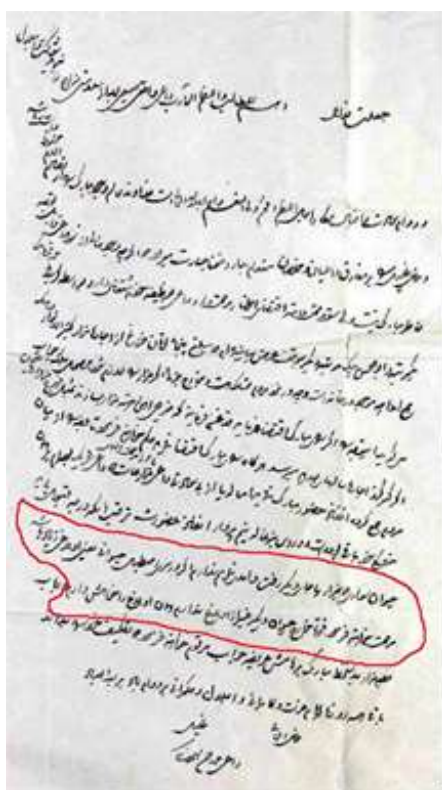
نگاره ۹ - درخواست آقای هادوی از آخوند هردنگی مبنی بر انجام قضاوت بین دو نفر که مدت‌هاست درگیر بوده و تاکنون کسی آنها را صلح نداده است به هر طریقی که خود آخوند صلاح می داند.

۸- در نامه جناب آقای هادوی به دامادهای آخوند به سال ۱۳۲۸ قمری برای رسیدگی به مسائل شرعی ناحیه هردنگ و سرچاه از آخوند با عنوان شخصی که وجودش با برکت و نعمتی بر قاینات بوده و شخصی که انتظاما امتیاز مخصوص و ویژه ای در کلیه قاینات داشته، یاد می شود؛ آیا زمان کتابت این نامه آیت ... هادوی تحت فشار حکومت بوده و مجبور به نوشتن چنین نامه ای شده است یا اینکه واقعا آخوند شایسته برخورداری از این صفت بوده است (نگاره ۱۰).



نگاره ۱۰ - سندی که آقای هادوی در آن از آخوند با عناوینی چون نعمت و وجود با برکت و کسیکه انتظاما امتیاز مخصوص در قاینات داشته یاد می کند

۹- در طول تاریخ علما و عرفای زیادی بوده اند که فقرات آنها در دوران زندگی همیشه زبازد بوده و روشن گر راه سالکان الهی می باشد. در این میان آخوند نیز مستثنی نبوده و آنچه که از ترجمه سند ذیل بر می آید وی در اواخر زندگی خود از نظر درآمد مالی در جایگاه مناسبی نبوده آنچنانکه توانایی خرید یا حتی نگهداری حیوانی مثل الاغ نیز برای وی مقدور نبوده است. (نگاره ۱۱) با وجود احترام خاص وی در بین روحانیون، مردم و امرای مختلف ولایت قاینات و سیستان و مهیا بودن زندگی تجملاتی برای او و استجابت هر گونه جایگاه مادی برای وی از سوی حاکمان محلی، وی گوشه نشینی و خدمت به مردمان منطقه دوردست عربخانه را به زندگی اعیانی در بیرجند ترجیح می دهد آنگونه که حتی محل مدفن نامبرده نیز همچنان ساده و بدون هیچگونه بقعه ای می باشد و با گذشت حدود ۱۱۷ سال از فوت وی این قبر همچنان پابرجا است.



نگاره ۱۱ - سندی که نامه آخوند ملا محمد حسن هردنگی به امیر اسماعیل خان شوکت الملک در سال ۱۳۲۱ قمری در خصوص وضعیت مزار دهک عربخانه را تشریح می کند و در قسمتهایی از آن می گوید : حیوان سواری که به مزار یا جای دیگر رفت و آمد نمایم ندارم اگر در سری اصطبل حیوانی یا الاغی زیاد باشد مرحمت خواهند فرمود قوه مخارج حیوان دیگر ندارم و همان الاغ را خواهش دارم ...

جالب است روحانی درباری آن هم با این رفاقت با امرای قاینات توانایی خرید حتی حیوانی مثل الاغ را در سن حدود ۶۰ سالگی ندارد.

۱۰- اگر بخواهیم حکومت وقت را در بدترین حالت یک حکومت فاسد در نظر بگیریم و سپس به این نتیجه برسیم که آخوند به دلیل حمایت‌های خود از این حکومت شایسته حاکمیت شرع گردیده است پس مجبوریم در صحت انتخاب و بینش آقا سید ابوطالب قاینی^۷ و آیت ا... صدر^۸ نسبت به آخوند نیز با شک و تردید نگاه کنیم.

۱۱- حضرات آیات محمد باقر گازاری و هادوی و خیلی از علمای آن زمان نیز هر کدام زمانی در همین حکومت محلی، حاکمیت شرع قهستان را بر عهده داشتند، پس مجبوریم قبول کنیم که آنها نیز درباری بوده اند.

۱۲- اگر بخواهیم سوال مطرح شده را صحیح در نظر بگیریم باز هم از اهمیت قضیه چیزی کم نمی شود، چرا که معمولاً حکومتها برای کسب احترام مردمی نیاز به حمایت از یک روحانی دارند که مورد قبول علمای وقت و خود مردم برای رسیدگی به مسائل شرعی آنها باشد و این از جایگاه معنوی و علمی آخوند چیزی کم نمی کند.

۱۳- در ابلاغیه های آیت ا... صدر به جناب آخوند به وضوح مشخص است که ایشان به غیر از سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۹ قمری، حداقل در حدود سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ و قمری به عنوان راتبه قضاوت، مسئول موقوفات و حاکم شرع در ایالت قهستان مطرح بوده است.

سوال چهارم: بر چه اساسی می توان به این نتیجه رسید که اجازات آقای صدر به آخوند بعد از سالهای ۱۳۱۲ قمری بوده و نه قبل از آن

پاسخ:

۱- توضیح اینکه در حد فاصل سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۵ قمری به دلیل نبود فقیه یا مجتهد همطراز و یا تاثیرگذار در قهستان و همچنین انتقال اجباری یا ناخواسته حاکمیت شرع به آخوند بعد از فوت استادش سید ابوطالب نیازی به صدور یک چنین حکمی از سوی میرزای شیرازی یا مرجعی دیگر برای وی دیده نمی شده و همان اجازه نامه آقا سید ابوطالب که دارای ولایت و مرجعیت در خراسان بوده، کفایت می کرده است.

۲- از سال ۱۳۰۵ تا زمان فوت آخوند در سال ۱۳۲۷ قمری علما و مجتهدین فراوانی در قهستان ظاهری شوند (مانند شیخ محمد باقر آیتی بیرجند یا گازاری و شیخ محمد هادی مجتهد یا هادوی) که به منظور جلوگیری از سردرگمی مردم برای حل و فصل مسائل شرعی نیاز به ابلاغیه از سوی یکی از مراجع آن زمان لازم به نظر می رسید. لذا بعد از فوت آیت الله میرزای شیرازی در تاریخ ۱۳۱۲ قمری، چون صدور اینگونه احکام بر عهده آیت الله صدر به عنوان مرجع واحد بوده است (بهارستان، ۱۳۷۱) در این رابطه ابلاغیه ای صادر و ارسال گردیده است و نکته اینجاست که ملا محمد حسن هردنگی تنها مجتهد قاینات است که از آیت الله صدر ۲ بار اجازه نامه گرفته است.

^۷ ایشان خود زمانی حاکمیت شرع را در همین حکومت به عهده داشته و به آخوند اجازه رسیدگی به امورات بلوک ناحیه هردنگ، سرچاه عماری، عربخانه جلگه ماژان و نهارجان را داده است.

^۸ آیت ا... صدر به ملا محمد حسن هردنگی اجازه نیابت و حاکمیت شرع قاینات را داده است.

سوال پنجم: اگر ایشان اینقدر مشهور بوده چرا آقای آیتی از وی نامی در بهارستان نمی برد.

پاسخ:

۱- جناب آقای آیتی در بهارستان خود دلیل نیاوردن نام برخی از علما و بزرگان را اینگونه قید می کند: در استقصای این ابواب اگر قصوری رفته باشد همانا اولاً به واسطه فقد اسباب و قلت کتاب و دیگر پریشانی عصر و اضطراب بوده که دانشمندان معاصر و آینده نقایص آنرا مرتفع خواهند ساخت و به تکمیل آن خواهند پرداخت عجلتاً منظور به قاعده میسور فتح الباب است نه استقصای سخن بوجه استیجاب.

۲- آخوند هردنگی از سال ۱۲۹۹ قمری به منطقه ناحیه هردنگ مراجعت و ترک بلاد بیرجند می کند منطقه ای که همین الان در استان صاحب آوازه ولی دوری راه و بدی جاده ها سبب عدم مراجعه مردم و حتی مسئولین به این نقطه می شود.

۳- شاید خود آخوند هردنگی هم راضی به نوشتن مطالبی برای خودش نبوده است.

۴- سعیدزاده (۱۳۶۹) نقل می کند که شیخ محمد حسین آیتی در اواخر عمر به بعضی از خویشان خود گفته است که در بهارستان به لحاظ جو حاکم بر زمان مطالبی نوشتم که خود رضایتی بدان نداشتم و مطالب دیگری به عنوان تتمیم مرقوم داشته و سفارش به چاپ آن نموده اند.

۵- آیت ا... سید ابوتراب انوار:

آیت الله سید ابوتراب حسینی فرزند آیت ا... سید ابوطالب قاینی متولد حدود ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۰ قمری که به فضایل انسانی آراسته و از رذایل و معایب جدا پیراسته بود. علاوه بر تخصص در علوم اسلامی و فقه و اصول، مردی ادیب و خوش ذوق و شاعر بوده و در اشعار خود «انوار» تخلص می نمود. تکمیل مراتب فقه و اصول را در نجف اشرف در محضر حجه السلام سید حسین ترک کوه کمری کرده و چندی متصدی حکومت شرعیه قاینات بوده است. احداث بقعه روی مزار سید محمد نقیب در مزار کوه بیرجند از فعالیت های مذهبی اوست (آیتی، ۱۳۷۱). در اواخر عمر بر اثر ابای نفس سر به مسالکه امرای وقت خود در نیاورد و رنجیده خاطر شد به مشهد مقدس مهاجرت و در حدود ۱۳۲۸ قمری متوفی و در دارالسیاده رضوی مدفون شد. (سعیدزاده، ۱۳۶۹). از تصنیفات او کتاب اسرار التوحید در تفسیر سوره مبارکه توحید و دیوان اشعار است که اوراق آن پراکنده است.

سوال اول: بر چه اساس می توان نتیجه گرفت که ایشان حاکم شرع قاینات بوده است.

پاسخ:

۱- در کتاب بهارستان شیخ محمد حسین آیتی به این موضوع اذعان دارد که ایشان مدتی متصدی حاکمیت شرع قاینات بوده است. ولی مدت این زمان قید نگردیده است.

سوال دوم: بر چه اساس می توان نتیجه گرفت که ایشان از سال ۱۲۹۹ قمری تا ۱۳۱۷ قمری حاکم شرع قاینات بوده است.

پاسخ:

۱- ایشان به عنوان یکی از ستونهای شرع در سال ۱۲۹۳ قمری مطرح بوده اما اگر جایگاه حاکمیتی داشته از سال ۱۲۹۹ قمری به بعد بوده است دلیل این ادعا هم که از نظر تمامی مورخین پوشیده مانده و متأسفانه به تبعیت از منابع قدیمیتر ادامه یافته است اینکه: مهر مشهور ایشان بیضوی با سجع الوائق بالله الغنی عبده ابوتراب الحسینی به تاریخ ۱۲۹۹ قمری است که از این سال به بعد تا سال ۱۳۱۷ قمری در پای تمامی اسناد دیده می شود. نمی توان مهری از ایشان با این عنوان پیدا کرد که در اسناد قبل از ۱۲۹۹ قمری و بعد از ۱۳۱۷ قمری، آمده باشد. از آنجاییکه در گذشته و بالاخص اشخاصی که دستی در حکومت و یا شرع داشته اند داخل مهر آنها تاریخ تفویض این امورات به آنها حک می شده است. لذا چگونه ممکن است آقا سید ابوتراب از سال ۱۲۹۳ حاکم شرع بوده ولی تاریخ درون مهرش به سال ۱۲۹۹ قمری (نگاره ۱۲) باشد.



نگاره ۱۲- مهر آقا سید ابوتراب انوار (الوائق بالله الغنی عبده ابوتراب الحسینی ۱۲۹۹)

۲- در سندی به سال ۱۳۰۱ قمری آقا سید ابوتراب عقد نامه ای را که مربوط به منطقه ناحیه هردنگ است و تایید آخوند هردنگی را هم دارد تایید شرعی مینماید (نگاره ۱۳).



نگاره ۱۳- عقد نامه ای به تاریخ ۱۳۰۱ قمری مربوط به منطقه ناحیه هردنگ که آقا سید ابوتراب و آخوند هردنگی آنرا تایید می کنند.

۳- در سندی امیر علم خان به تاریخ ۱۳۰۳ قمری مورد دعاوی بین امیر عبدالصمد بیک و ملا عبدا... خان کرمانی را جهت صدور حکم شرعی به سید ابوتراب ارجاع می دهد (نگاره ۱۴).



نگاره ۱۴- فرمان حکومتی امیر علم خان به امیر عبدالصمد بیک و ملا عبدا... خان کرمانی برای رسیدگی به دعاوی آنها توسط آقا سید ابوتراب انوار به تاریخ ۱۳۰۳ قمری.

۴- در سندی امیر علم خان به تاریخ ۱۳۰۶ قمری مورد دعاوی بین امیر عبدالصمد بیک و برادرش را جهت صدور حکم شرعی به سید ابوتراب ارجاع می دهند (نگاره ۱۵) و او در پی نوشت نامه می گوید حرفی نیست به حکم ملا محمد حسن هردنگی عمل نمایند و اگر بحثی دارند مراجعه تا حسب الشرع امر به جایی سپرده شود. این جمله نشان از تسلط حاکمیتی وی بر سایر علماء در این تاریخ دارد.



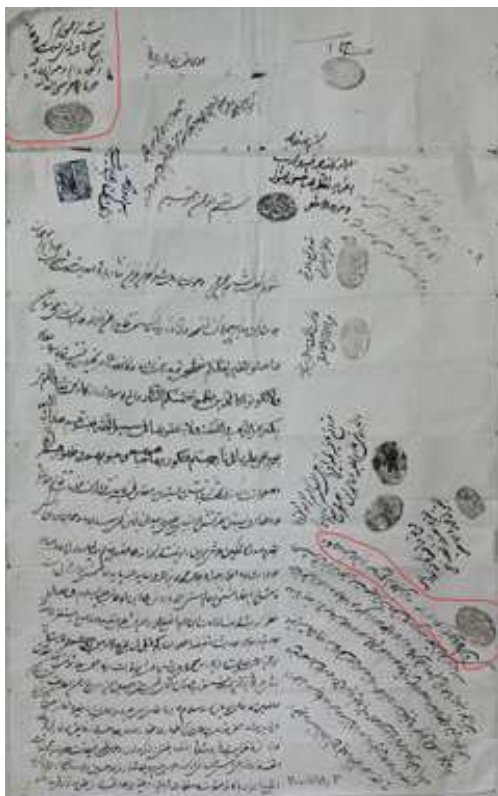
نگاره ۱۵- سندی مبنی بر حاکمیت شرع سید ابوتراب انوار در سال ۱۳۰۶ قمری یعنی زمانیکه محمد باقر آیتي در بیرجند بوده است.

۵- در سندی به تاریخ ۱۳۱۴ قمری (نگاره ۱۶) که در حقیقت وقفنامه ۱,۵ سهم آب و زمین مزرعه حسین آباد دهک بر مزار سیدناالحسین عربخانه توسط امیر علم خان خزیمه است که مهر ۲ عالم بزرگ قهستان در آن دیده می شود: آقا سیدابوتراب در بالا و سمت چپ سند با همان عنوان مشهور الوائق بالله الغنی عبده ابوتراب الحسینی ۱۲۹۹ و مهر آخوند هردنگی در پایین سمت راست سند با سجع عبده الراجی محمد حسن ۱۲۸۶

۶- در سندی به تاریخ ۱۳۱۷ قمری در گوشه سند تاییدیه شرعی آقا سید ابوتراب با همان مهر مشهورش دیده می شود که با توجه به نوع نگارش و تحکمی بودن آن و تایید مفاد نامه نشان از حاکمیت شرع وی دارد (نگاره ۱۷).



نگاره ۱۷- نظر سید ابوتراب انوار: تصدیق جناب آخوند در حق طرفین منط است. مجدداً طرفین بروند نزد ایشان با محصل تا قطع منازعه شود. جمادی الاولی ۱۳۱۷ قمری.



نگاره ۱۶- وقفنامه یک و نیم سهم از مزرعه حسین آباد دهک بر مزار دهک توسط امیر علم خان در سال ۱۳۱۴ قمری که توسط سید ابوتراب انوار تایید شرعی می گردد.

نکته در باره سند بالا :

- این سند به تاریخ ۱۳۱۴ قمری بوده که مهر سید ابوتراب انوار و آخوند هردنگی را بر روی یکی از مهمترین اسناد خاندان خزیمه علم می بینیم. آخوند هردنگی نویسنده وقفنامه و قبول کننده تولیت آن و سید ابوتراب تایید کننده شرعی آن است

۴- از تاریخ ۱۳۱۷ قمری به بعد دیگر اسناد به مهر سید ابوتراب انوار دیده نمی شود که این با ادعای شیخ محمد حسین آیتی مبنی بر هجرت ایشان دراواخر عمر به مشهد مطابقت می کند.

سوال سوم : آیا میتوان از روی اسناد به تاریخ تولد ایشان و سن رسیدگی به امورات شرعی قاینات دست یافت.

پاسخ :

۱- خانلرخان در سفرنامه خود وی را چندین بار دیده و با هم صحبت‌های فقهی داشته اند که در آنجا سن ایشان را جوان ۲۳ تا ۲۵ ساله ای که در حال تدریس است بیان می کند پس تاریخ تولد ایشان می تواند حدود ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۰ قمری بوده است.

۲- با توجه به تاریخ درون مهر ایشان که برابر ۱۲۹۹ قمریست و کسر آن از تاریخ تولد ایشان می توان سن رسیدگی ایشان به مسائل شرعی قاینات را در ۲۹ تا ۳۱ سالگی ایشان دانست.

حال اگر بخواهیم جمع بندی از اسناد بالا داشته باشیم هر چند برای هر سال سندی نیست ولی با وجود متناوب بودن تاریخی اسناد ارائه شده براحتی می توان به در راس بودن سید ابوتراب انوار پی برد.

۶- شیخ محمد باقر گازاری :

محمدباقر قائنی مجتهد بیرجندی (۱۲۷۶-۱۳۵۲ق)، معروف به محمدباقر آیتی و محدث بیرجندی، فقیه، رجالی و متکلم شیعه در قرن ۱۴ قمری و عالم دینی، مجتهد و شاعر که تخلص به صافی و صافی قائنی دارد. مرحوم بیرجندی، ۱۲ ساله بود که به سوی قائن حرکت کرد و در مدرسه جعفریه ساکن شد. و نزد برادرش حاج ملا محمدعلی و اساتید دیگر همچون سید ابوطالب قائنی ادبیات و معانی و بیان را تکمیل نمود. علامه بیرجندی در سن ۱۴ سالگی به مدرسه میرزا جعفر رفت و در مدت چند سال، برخی از کتب فقهی و اصولی معالم، القوانين و شرح لمعه را نزد میرزا هدایت‌الله مدرس ابهری و کتاب‌های شیخ انصاری رسائل و مکاسب را نزد شاگردان شیخ فرا گرفت. شیخ محمدباقر بیرجندی در ۲۰ سالگی (۱۲۹۶ هـ. ق) رخت سفر به تن کرد و آهنگ نجف نمود (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲). وی در حالی که فاضلی کوشا و درس خوانده بود و در فقه، اصول، کلام، فلسفه و ادبیات دستی توانا داشت، در حلقه درس اساتید نام‌آور نجف شرکت جست و در فقه، اصول، درایه و رجال از محضر آنان استفاده‌های فراوانی برد. علامه شیخ محمدباقر بیرجندی، پس از رسیدن به مقام عالی اجتهاد و کسب اجازات متعدد اجتهادی و روایتی از اساتیدش در ۳۰ سالگی رهسپار حج بیت‌الله الحرام و مدینه منوره شد و پس از بازگشت از سفر حج، به سوی زادگاه خویش بازگشت و در آنجا رحل اقامت افکند. در بیرجند پس از ازدواج به تالیف و تصنیف، تدریس علوم دینی و تربیت شاگردان، افتاء و پاسخگویی به پرسش‌های مردم، اقامه جمعه که آن را واجب تعیینی می‌دانست و جماعت پرداخت. همچنین منزل او محل رفع دعاوی و خصومات مردم و قضاوت شرعی بود و به عنوان حاکم شرع به اجرای احکام دین مانند طلاق زنانی که شوهران آنها مفقود شده بودند، می‌پرداخت و البته در

اواخر عمر شریفش از قضاوت دوری می‌کرد (سعیدزاده، ۱۳۶۹). سرانجام آن مرد بزرگ، پس از عمری تلاش و کوشش در راه اعلاي کلمه حق، در شب جمعه ۱۲ ذیحجه الحرام سال ۱۳۵۲ هـ ق در ۷۷ سالگی چشم از جهان فرو بست. پیکر او را در مدرسه معصومیه غسل دادند و پس از تشییعی کم نظیر، در مقبره مخصوص خویش به خاک سپردند. به دنبال اعلام خبر وفاتش، در بیشتر شهرهای ایران مجالس یادبودی برگزار شد و حوزه علمیه قم به سوگ نشست و آیت‌الله مرعشی در مدرسه فیضیه مجلس با شکوهی منعقد ساخت (الهی زاده و همکاران، ۱۳۹۶).

۶-۱- جایگاه علمی و معنوی آخوند در بین علماء :

آیت .. شیخ محمد حسین آیتی : وی را نصیر المله و الدین و از معاریف اعلام و فقهای اسلام می نامد.
آیت .. میرزا هدایت .. ابهری : من فقط درس را برای این شخص میگویم چرا که شیخ بهایی در عالم رویا توصیه او را به من فرمود.

آیت .. میرزا حسین نوری : وی را صالح صفی و عالم تایید شده از سوی خداوند می داند.
آیت .. میرزا حسین نوری : وی را فاضل مهذب تیزهوش می داند.
آیت .. سید اسماعیل صدر : وی را عمده علما و پاکان و کار آزموده ترین فقها می داند
آیت .. سید اسماعیل صدر : وی را زنده کننده احکام آل رسول و ترویج دهنده شریعت می نامد.
آیت .. سید اسماعیل صدر : وی را حجت بزرگی برای مومنین که مردم باید قدردان و شکر گزارش باشند، می نامد.
آقا بزرگ تهرانی می گوید : وی در منبر ید طولایی داشت و از محدثین و اصولیون به شمار می آمد.
وی دارای اجازاتی از علمایی چون : آیت ... سید اسماعیل صدر، شیخ موسوی کاظمی، شیخ میرزا حسین خلیل تهرانی، میرزا حسین نوری طبرسی و شیخ علی اصغر سرچاهی خوسفی است (بهارستان، ۱۳۷۱ و عباسلو و علیزاده، ۱۳۹۲)

۶-۲- اساتید :

سید ابوطالب قائنی، شیخ محمدتقی بجنوردی، حاج سید عبدالصمد شوشتری، شیخ علی یزدی، علامه سیدمرتضی یزدی، میرزا حبیب‌الله رشتی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، علامه شیخ هادی تهرانی، فاضل ایروانی، حاج میرزا حسین خلیلی تهرانی

۶-۳- و از فتواهای اوست :

الف. وجوب عینی نماز جمعه.
ب. وجوب بقاء بر تقلید میت اعلم.

۶-۴- تالیفات :

نزدیک به ۷۰ اثر به او نسبت داده‌اند که کبریت احمر از مشهورترین آنهاست (آیتی، ۱۳۷۱ و الهی زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

۶-۵- سوالات :

سوال اول : آیا شیخ محمد باقر گزاری از سال ۱۳۰۵ قمری حاکم شرع بوده است.

پاسخ:

۱- این جمله از نظر تحقیقی و اسنادی درست نیست. اگر ایشان سمتی هم داشته از سال ۱۳۱۶ قمری به بعد بوده است دلیل این ادعا هم که متأسفانه از نظر تمامی مورخین و محققین پوشیده مانده و به تبعیت از منابع قدیمتر ادامه یافته است اینکه: مهر مشهور ایشان بیضوی با سجع محمد باقر العلوم به تاریخ ۱۳۱۶ قمری (نگاره ۱۸) است که از این سال به بعد در کنار مهر آیت ا.. هادوی مرتباً تکرار می شده است. لذا چگونه ممکن است شیخ محمد باقر گزاری از سال ۱۳۰۵ قمری حاکم شرع بوده یا حداقل سمت اجرایی داشته ولی مهر ایشان دارای تاریخ ۱۳۱۶ قمریست.



نگاره ۱۸- مهر آیت ا.. گزاری - محمد باقر العلوم ۱۳۱۶

۲- تا قبل از ورود آیت ا.. هادوی به قاینات در ۱۳۱۶ قمری هر چند شیخ محمد باقر بدون شک محل رفع مسائلی شرعی بوده ولی ایشان هیچ سمت اجرایی نداشته و حاکمیت شرعی قاینات تا ۱۳۱۷ قمری بر عهده سید ابوتراب انوار پسر سید ابوطالب قاینی بوده است و اگر غیر از این می بود شیخ محمد حسین آیتی در کتاب بهارستان خود باید در جاییکه به معرفی آقای هادوی می پردازد قید می کرد که تا قبل از آمدن آقای هادوی امورات شرع و اوقاف بر عهده پدرم می بود نه فقط می نوشت آقای هادوی متصدی موقوفات و مقام قضا شد که بنا به رسم، قبلاً بر عهده مجتهد دیگری بوده است. آیا آقای آیتی مراعات بزرگی پدر را کرده و نخواست اسم ایشان را بیاورد یا اینکه این مجتهد دیگر همان سید ابوتراب انوار است.

سوال دوم: زمان دقیق اجتهاد ایشان چه موقع است.

پاسخ:

۱- عین عبارت مروخین بعد از شیخ محمد حسین آیتی بدین صورت است. شیخ محمد باقر پس از آن که در بیست و دو سالگی به درجه اجتهاد نائل آمده بود، بعد از تشرف به مکه معظمه به ایران مراجعت و در شهر بیرجند اقامت و تأهل اختیار نمود (الهی زاده و همکاران، ۱۳۹۶). موثق ترین منبع برای نقل این موضوع کتاب بهارستان تالیف پسر ایشان شیخ محمد حسین می باشد. وی در آنجا یک چنین جمله ای را نقل نمی کند و فقط می نویسد وی بعد اتمام درس پیش جناب میرزا حبیب ا.. رشتی، در سال ۱۳۰۵ قمری بعد از تشرف به سفر مکه معظمه به قاینات بر می گردد و حتی در تمام نقل زندگی ایشان توسط فرزندش تاریخی از اجتهاد وی اعلام نمی کند.

۲- تاریخ اجازه میرزا حسین نوری طبسی به وی که در حقیقت اصلی ترین استاد وی می باشد ۱۳۰۹ قمری است و این یعنی ۳۳ سالگی شیخ محمد باقر.

۳- از روی مهر مشهور ایشان هم که به تاریخ ۱۳۱۶ قمریست نمی توان یک چنین چیزی حدس زد چرا که اگر این تاریخ، زمان اجتهاد ایشان باشد خیلی خوب نیست یعنی وی در ۴۰ سالگی اجازه اجتهاد گرفته است. لذا آن چیزیکه بیشتر با جملات شیخ محمد حسین سازگار است همان ۳۰ سالگی است.

سوال سوم: مفتی الفریقین نامیدن شیخ محمد باقر در مکاتبات رسمی هرات و قاینات چقدر معتبر است.

پاسخ:

۱- مقداری حس تعصب خانوادگی در بهارستان شیخ محمد حسین آیتی در تعریف از پدرشان دیده می شود که چون منبع دیگری در معرفی علمای متاخر قاینات نداشته ایم به عنوان تنها منبع موثق در بین عوام و حتی برخی خواص جای گرفته است. از جمله عبارت ذیل: مفتی الفریقین نامیدن شیخ محمد باقر در مکاتبات رسمی هرات و قاینات. این فقط ادعایی است که فرزند ایشان در کتاب خود آورده و تاکنون هیچ محقق یا مورخی نتوانسته سندی که این موضوع را تایید کند ارائه نماید. به این امید که سندی در این خصوص پیدا شده تا این شبهه برطرف گردد.

سوال چهارم: علت انتقال وی از قاین به مشهد چه بوده است.

پاسخ:

۱- برای علت انتقال وی از قاین به مشهد این جملات در منابع آمده است (آیتی، ۱۳۷۱) و تمامی مورخین بعدی هم بدون مراجعه به اصل منبع این جملات را آورده اند: روزی مرحوم خانلرخان اعتصام الملک که برای تعدیل مالیات قائنات و سیستان از طرف دولت مأمور شده بود به مدرسه جعفریه رفت و از فضلا و طلاب مدرسه پرسشهایی نمود و جماعت فضلا از پاسخگویی عاجز شدند. در این میان تنها مرحوم شیخ محمدباقر - با کمی سن - از عهده جواب برآمد و پاسخهای کافی و شافی داد که نظر خانلرخان را به سوی خود جلب کرد و لذا ایشان را به مشهد مقدس اعزام نمود.

اما اصل جملات به نقل از سفرنامه خانلرخان این است که: در ایوان مدرسه نشسته بودم. جمعی از طلاب جمع شدند در میانه بچه آخوندی بود به سن سیزده یا چهارده مکلف نبود. پرسیدم چه میخوانی. گفت: شرح لمعه را تمام کرده قوانین میخوانم. خیلی زرنگ و حاضر جوابش دیدم. دو سه فقره از مقدمات و فقه از او پرسیدم. خوب جواب داد معلوم شد خیلی خوب تحصیل کرده و می کند (الهی زاده و همکاران، ۱۳۹۶ و خانلرخان، ۱۳۳۵).

۲- در هیچ جای این جملات و جملات بعدی در سفرنامه، نشانی از سوالات خانلرخان از همه طلاب نیامده که در پاسخگویی عاجز باشند بلکه آنها این صحنه را دیده اند و مخاطب این سوالات خود شیخ محمد باقر آیتی بوده است.

۳- نقل روایی و موضع حماسی شیخ محمد حسین از این حادثه باعث شده که ایشان مقداری در بیان استعداد پدر تعصب به خرج دهد. این نوع نقل باعث شده که تمام محققین بعد از شیخ محمد حسین آیتی این اشتباه را مرتبا مرتکب شوند.

۴- در تایید اینگونه نگارش و گاهی جهت گیریهای خانوادگی خواندن این جمله از بهارستان خالی از لطف نیست:

ایشان در خصوص محمد حسن خوسفی می نویسد: العالم الکامل التقی الصفی الشیخ محمد حسن خوسفی هم از شرکای درس احقر بود در مجلس درس مرحوم حجه الاسلام میرزا محمد حسن شیرازی و مرحوم سید استاد در توصیه او، مکتوبی به امیر علم خان مرقوم فرمود و در توصیف شیخ مبالغه نمود.

- از این نگارش بر می آید که این جمله نقل قولی از شیخ محمد باقر توسط پسرش شیخ محمد حسین صاحب بهارستان است چرا که شیخ محمد حسین در زمان فوت میرزای شیرازی ۲ یا ۳ ساله بوده و نمی توانسته هم درس ملا محمد حسن خوسفی باشد.

- صاحب نقل این موضوع کسی است که ملا محمد حسن خوسفی را یا در حد این اجازه نمی داند و یا اینکه درک بهتری از میرزای شیرازی در شناخت ملا محمد حسن خوسفی داشته است چرا که می گوید سید استاد در توصیف شیخ مبالغه نمود و اگر اینگونه باشد به این نتیجه می رسیم که خیلی از این اجازات برای علمای قاینات بیشتر تعارفی بوده و نه لیاقتی. لذا اجازات میرزای شیرازی و علمای نجف که خود شاگردان میرزای شیرازی بوده اند به علمای قاینات بیشتر تعارفی بوده تا لیاقتی از جمله اجازات به شیخ محمد باقر آیتی، شیخ محمد حسن هردنگی، شیخ محمد حسن خوسفی و خلیلهای دیگر.

- اینکه شیخ محمد حسین به استناد چه منبعی این مطلب را بیان کرده نگارنده مقاله قصد تشریح موضوع و اطاله کلام را ندارد و فقط هدف این است که همانطور خود شیخ محمد حسین آیتی گفته ایشان در تدوین این کتاب مقداری عجز و گاه بدون منبع و طبیعتاً احساسی عمل کرده اند که بدلیل اعتبار مذهبی ایشان در شهر بیرجند، هیچ مورخی تاکنون در خصوص نقدهای این چینی بر بهارستان بر نیامده است.

سوال پنجم: چرا ایشان در اواخر عمر شریفش از قضاوت دوری می کرد.

پاسخ:

اصلی ترین علت در این است که ایشان بنا به نظر فقهی خود طلاق زنی که دو سال شوهرش مفقود بوده را مجاز می دانسته و نسبت به این موضوع حکم می داده است لذا در بازگشتن بعد از دو سال مردانی که زنانشان طلاق داده و شوهر کرده بودند، اعتراضات و مسائلی پیش آمد که برخی از مومنین قاینات موضوع را با آیت ... سید ابوالحسن اصفهانی مطرح و این مرجع عالیقدر، این حکم را شکستند و این موضوع ممنوع شد (سعیدزاده، ۱۳۶۹).

۷- آیت ... محمد هادی هادوی:

آیت الله محمد هادی هادوی در نیمه اول رجب سال ۱۲۷۷ در بیرجند به دنیا آمد. نیاکان او اصفهانی بودند و پیش از فتنه محمود افغان (۱۱۳۵) و یا هنگام آن از اصفهان به بیرجند کوچیدند. پدرش، ملا محمد حسین (متوفی ۱۳۰۷) از شاگردان شیخ مرتضی انصاری متوفی (۱۲۸۱) و از مشاهیر علما و زاهدان بیرجند به شمار رفته و صاحب تألیفاتی در فقه و اصول است. شیخ محمد هادی تحصیلات مقدماتی و سطح را نزد پدرش و نیز در مدرسه معصومیّه بیرجند آموخت و در شانزده سالگی همراه خانواده به مشهد رفت و در آن جا به تحصیلات خود ادامه داد. وی قوانین الاصول را نزد پدر و فقه را در مشهد در محضر سید محمدباقر گلپایگانی و حکمت و کلام را در محضر آخوند ملا محمد رضای روغنی سبزواری، از شاگردان حکیم سبزواری متوفی (۱۲۸۹) آموخت. همچنین قریحه و طبع شعر او بر اثر معاشرت با حاج میرزا حبیب الله مجتهد خراسانی (متوفی

(۱۳۲۷) و شیخ محمد حسن کرمانی و استفاده علمی از محضر آنان شکوفا شد و در سال ۱۲۹۹ همراه پدر و مادر به نجف رفت و از آن جا پدر و مادرش به کربلا رفتند و او به سامرا عزیمت نمود و در مدت دو سال و اندی که در آن جا بود از محضر میرزا محمدحسن شیرازی (متوفی ۱۳۱۲) و سایر اساتید بهره برد و از نظر ادبی مورد توجه میرزای شیرازی قرار گرفت. وی سپس به نجف رفت و در جلسات درس میرزا حبیب الله رشتی (متوفی ۱۳۱۲) و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (متوفی ۱۳۲۹) و سید محمد کاظم یزدی (متوفی ۱۳۳۷)، صاحب والعروه الوثقی دیگران حاضر شد. در ۱۳۰۵ به کربلا رفت و ازدواج کرد و تا ۱۳۰۷، که پدر و مادرش به فاصله یک هفته از دنیا رفتند، در کربلا ماند. در ۱۳۰۸ به مکه و مدینه رفت و سپس برای تکمیل تحصیلات به سامرا بازگشت و ملازم میرزای شیرازی شد. پس از وفات میرزای شیرازی، بیرجندی همراه سید اسماعیل صدر، به کربلا رفت و در سال ۱۳۱۹ به نقلی و سال ۱۳۱۶ قمری به نقل دیگر به دعوت امیرمحمد اسماعیل خان شوکت الملک، حاکم وقت قائنات، سید اسماعیل صدر او را برای تصدی امور شرعی به بیرجند اعزام داشت و با احترام و استقبال شایان مردم به بیرجند وارد شد البته آیتی تاریخ بازگشت او را به بیرجند ۱۳۱۶ (نگاره ۱۹) دانسته است. آیت الله شیخ محمد هادی هادوی در دوره اول مجلس شورای ملی از طرف آخوند خراسانی به عنوان مجتهد طراز اول معرفی شد، ولی وی نپذیرفت و عهده دار ریاست انجمن ولایتی شد و علت پذیرفتن ریاست انجمن ولایتی را رسمیت داشتن آن انجمن برای رفع اجحافات معمول در آن زمان بیان کرده است. ایشان مجتهدی روشنفکر و به دور از قشریگری و تنگ نظری بود و تا آخر عمر در بیرجند ماند و با وجود فقر و تنگ دستی به تالیف و تبلیغ دینی اشتغال داشت و در میان مردم به حسن معاشرت و مدارا ممتاز بود و با علمای عامه برخوردی پسندیده و مسالمت آمیز داشت. او از معدود عالمانی بود که همراه با دخالت در سیاست، زهد و تقوای خود را حفظ کرد و در منابع، از فضل و دانش و کمالات نفسانی و اخلاقی شیخ هادی ستایش شده است. همچنین آیت الله شیخ محمد هادی هادوی با تأسیس مدرسه شوکتیه بیرجند با سبک جدید که سبب بروز مخالفتی از سوی برخی مردم شده بود با اعزام تنها پسر خود به مدرسه شوکتیه در ذهن و فکر مردم اثری عمیق بر جای گذاشت و کار این مدرسه رونق گرفت. این در حالی بود که پیش از تأسیس مدارس به سبک جدید، تعلیم و تربیت به عهده مکتب خانه ها بود که افراد روحانی نقش موثری در آنها داشتند. وی علاوه بر مراتب علمی و فقهی، ادیب و شاعر بود و در شعر هادی تخلص می کرد و بیشتر اشعار وی در مدح و منقبت و نیز مراثی خاندان عصمت علیه السلام است. دیوان او شامل سه هزار بیت، همراه با مقدمه ای مفصل (۱۲۰ ص) در شرح احوال خود و ترجمه بخشی از خطبه حضرت زهرا علیها السلام در ۱۳۱۴ ش به طبع رسیده است و بعضی آثار و اشعار وی در مجلات دبستان، پیمان و کانون شعرا مندرج است. بقیه آثار آیت الله هادوی شامل ترجمه عهدنامه مالک اشتر (تهران ۱۳۱۶ ش)، ترجمه الادب الکبیر ابن مقفع که با ترجمه عهدنامه در ۱۳۱۵-۱۳۱۶ در تهران به طبع رسیده است و مائده محمدیه در بیان این که همه معارف به سلسله انبیا منتهی می گردد. وی در ۱۳۲۶ ش (۱۳۶۶ ق) در بیرجند درگذشت و آرامگاه ایشان در داخل قبرستان پائین شهر بیرجند واقع شده و در سال ۱۳۵۵ ش انجمن آثار ملی مقبره وی را بازسازی و مرمت کرد (علیزاده، ۱۳۹۰).



نگاره ۱۹- مهر آیت ا. هادوی -محمد هادی ۱۳۱۵

۷-۱- سوالات :

سوال اول : برخی منابع ورود ایشان را در قاینات و بالطبع حاکمیت شرع ایشان را در سال ۱۳۱۹ قمری میدانند. آیا این مطلب درست است.

پاسخ :

۱- با نگاهی به تاریخ مهر آقای هادوی که حک شده ۱۳۱۵ قمری میتوان فهمید که اولاً این تاریخی است که ایشان اجازه دخالت در حداقل قسمتی از امورات شرعیه را از طریق علمای نجف به دست آورده است. بیان این موضوع که این تاریخ مربوط به زمان دریافت اجتهاد ایشان باشد منطقی نیست چرا که ایشان متولد ۱۲۷۶ قمری بوده و تا زمان تاریخ مهر سن ایشان حدود ۴۰ سال می شود و این موضوع با تعاریفی که از تیزهوشی و فقاہت بالای ایشان می شود سنخیت ندارد چرا که اخذ اجتهاد آن هم در یک چنین سنی در میان هیچ یک از علمای به نام تاکنون گزارش نشده است.

۲- شیخ محمد حسین آیتی به عنوان دوست و قوم و خویش و اینکه در زمان حیات ایشان کتاب بهارستان را نوشته او هم در بهارستان ورود ایشان به قاینات را ۱۳۱۶ قمری اعلام می کند.

۳- با توجه به اینکه از سال ۱۳۱۷ قمری به بعد آقا سید ابوتراب به مشهد مراجعه می کند این جایگاه به آقای هادوی می رسد و در یکسال ورودشان به قاینات تا اواخر سال ۱۳۱۷ قمری ایشان در کنار دست آقا سید ابوتراب به امورات شرعی می رسیده است.

سوال دوم : آقا شیخ محمد باقر آیتی که در قاینات بوده اند پس چرا می بایست حاکم شرع جدید وارد قاینات می شد.

سوال سوم : از تاریخ ۱۳۱۶ قمری به بعد چه کسانی می توانند حاکم شرع بوده باشند.

پاسخ :

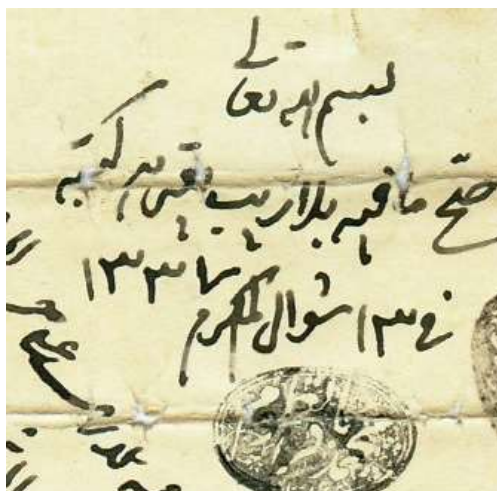
۱- همانطور که قبلاً هم بیان شد تا قبل از سال ۱۳۱۷ قمری حاکمیت شرع در اختیار آقا سید ابوتراب بوده است و بعد از این تاریخ بدلیل برخوردی که بین او و امیر اسماعیل خان پیش می آید، امیر اسماعیل خان بجای استفاده از علمایی چون محمد حسن خوسفی، محمد حسن هردنگی و محمد باقر آیتی از علمای نجف درخواست حاکمیت شرع می کند چرا که در این زمان این افراد در منطقه حضور داشته اند و دیگر نیازی به آمدن فقیهی از نجف نبوده است.

۲- محمد حسن خوسفی و محمد حسن هردنگی که در خارج از بیرجند و در قصبه خوسف و هردنگ حضور داشته اند ولی محمد باقر آیتی در بیرجند بوده و می شد این جایگاه را به ایشان داد.

۳- از بررسی اسناد اینگونه بر می آید که جناب شیخ محمد باقر پاسخهای شرعی و اجوبه ها را جواب می داده اند و جناب آقای هادوی احکام حکومتی را صادر می کرده اند هر چند شاید نفوذ معنوی آقا شیخ محمد باقر در این قضیه دست داشته باشد. در نمونه اسناد ذیل متوجه می شویم (نگاره ۲۰ تا ۲۳) که آقای هادوی در پاسخها حکم حکومتی می دهند و طرفهای مکاتبه را به حکومت جهت رفع مشکل ارجاع می دهند و یا مستقیم می گویند عامل حکومت بررسی کند و در این نمونه اسناد معمولاً حکم امیر محمد ابراهیم شوکت الملک نیز دیده می شود ولی در نمونه های مربوط به جناب آقای آیتی فقط پاسخ شرعی دیده می شود که جنبه اجرایی ندارد.



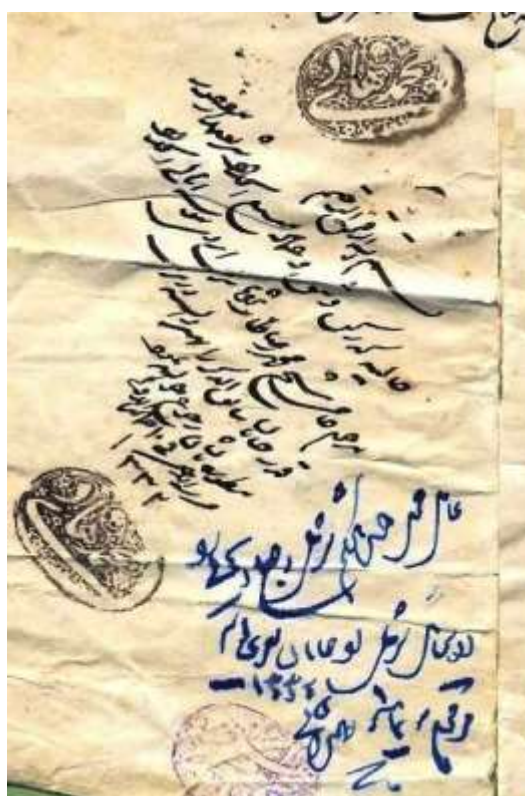
نگاره ۲۰ - پاسخ آقای هادوی در خصوص ایجاد محلی برای شستشو و امورات عامه در کنار قنات حکم می دهد و امیر محمد ابراهیم خان نیز به استناد این تایید شرعی در تاریخ ۱۳۴۵ قمری دستور حکومتی می دهد.



نگاره ۲۱ - پاسخ و تایید شرعی آقای آیتی در یک سوال به سال ۱۳۳۷ قمری



نگاره ۲۲ - فرمان حکومتی آقای هادوی به کارگزاران حکومت در خصوص ارجاع دعاوی عده ای به بیرجند جهت بررسی شرعی



نگاره ۲۳ - فرمان حکومتی آقای هادوی به مردم یکی از مناطق قاینات در خصوص انجام امورات شرعی توسط عامل معرفی شده توسط ایشان که امیر محمد ابراهیم خان به استناد حکم ایشان به عاملین حکومت مورد را جهت اجرا و رعایت موضوع ابلاغ می کند.



نگاره ۲۴ - مهر امیر علم خان سوم - الراجی علم - ۱۲۷۵



نگاره ۲۵ - مهر امیر اسماعیل خان - عبده الراجی اسماعیل - ۱۳۰۹



نگاره ۲۶ - مهر امیر محمد ابراهیم خان - الراجی محمد ابراهیم - ۱۳۱۷

نتیجه و جمع بندی :

یکی از دغدغه های مورخان جستجوی داده های مفید برای نگارش تاریخ اجتماعی است در میان منابع غیر تحقیقی و غیر تاریخ نگارانه یکی از منابعی که از قابلیت و ظرفیت بالایی برای نگارش تاریخ اجتماعی برخوردار است نگاه به آثار علماء است. مقاله حاضر به معرفی جایگاه علمای قاینات چون سید ابوطالب قاینی، محمد حسن هردنگی، محمد باقر آیتی، سید ابوتراب انوار و محمد هادی هادوی پرداخته و ضمن معرفی آنها به گونه اسنادی و تحقیقی و دور از هرگونه تعصب گیری به شناسایی

واقعی جایگاه هر یک از آنها می پردازد. هدف اصلی این مقاله شناسایی حاکمان شرعی از قاینات است که بدلیل سیطره سیاسی، نخبه گرایی محلی، زندگی دور از بیرجند و فاصله گیری از امرای قاینات، نقش آنها در تاریخ محلی قاینات کم رنگ و گاهی مفقود شده است. در این مقاله که به دیده تحقیق و اسنادی و حذف موارد روایی که همیشه نمی تواند ملاک صحیحی برای معرفی افراد باشد شخصیت های بالا معرفی اجمالی و سوالاتی که تاکنون در ذهن برخی از خواننده ها مطرح گردیده، بحث شده که از مجموع بررسی آنها می توان به موارد ذیل اذعان داشت :

۱- فوت آقا سید ابوطالب نمی تواند توطئه ای طراحی شده توسط افراد امیر علم خان باشد و ایشان فارغ از این مسائل فوت نموده اند.

۲- به استناد تاریخ درون مهر ایشان حاکمیت شرع وی بر کل قاینات از تاریخ ۱۲۸۴ تا ۱۲۹۳ قمری بوده است.

۳- جانشینی آقا سید ابوطالب برای حدود یکسال با ملا علی اصغر سرچاهی خوسفی بوده است.

۴- از حدود تاریخ ۱۲۹۳ تا ۱۲۹۹ قمری حاکمیت شرع در اختیار محمد حسن هردنگی قرار می گیرد.

۵- تاریخ اجتهاد محمد حسن هردنگی و رسیدگی به مسائل شرعی در قاینات به استناد تاریخ مهر ایشان و اشاره خودش در دیوان اشعار، در حدود ۱۲۸۶ قمری و در ۲۲ تا ۲۵ سالگی ایشان بوده است.

۶- دو سال دیگر به استناد اجازات آقا سیداسماعیل صدر به محمد حسن هردنگی ایشان حاکم شرع بوده اند که نظر نگارنده بر سالهای ۱۳۱۲ تا ۱۳۱۴ قمریست.

۷- حداقل بر اساس اسناد موجود محمد حسن هردنگی تنها مجتهد قاینات است که از آقا سیداسماعیل صدر ۲ بار اجازه حاکمیت شرع گرفته است.

۸- محمد حسن هردنگی علی رغم احترام فراوان در بین علماء و حکومتیها زندگی در هردنگ و توابع آنرا به ماندن در شهر بیرجند با همه منفعتهای موجود، ترجیح می دهد که این نشان از ساده زیستی و زهد بالای وی بوده است.

۹- در اثبات زهد و تقوای بالای محمد حسن هردنگی همینقدر کافیست که ایشان در اواخر عمر توانایی خرید حیوانی برای رفت و آمد را نداشته است.

۹- دوری از بیرجند و نداشتن پسری که بعد بتواند داشته های محمد حسن هردنگی را حفظ و انتقال بدهد و تعجیل شیخ محمد حسین آیتی در نگارش کتاب بهارستان و احتمالاً عدم علاقه مندی خود محمد حسن هردنگی در نوشتن مطالبی در وصف وی، باعث شده که نام ایشان در کتاب بهارستان نیاید.

۱۰- زهد و ساده زیستی بالا، دوری از تجملات دنیوی، نداشتن علاقه به حضور در بیرجند و عدم علاقه به داشتن جایگاه حکومتی از عوامل فراموشی محمد حسن هردنگی در تواریخ می باشد.

۱۱- دلیل اصلی الطاف امرای قاینات به محمد حسن هردنگی علاوه بر رعایت اعلیمیت علمی و معنوی ایشان، بیشتر جنبه امنیتی و در جهت جلوگیری از شورشهای احتمالی مردمان ناحیه هردنگ بر علیه حکومت در قاینات بوده است.

۱۲- آقا سید ابوتراب انوار حاکم شرع قاینات از حدود ۱۲۹۹ تا ۱۳۱۷ قمری بوده است.

۱۳- تاریخ رسیدگی به مسائل شرعی در قاینات توسط آقا سید ابوتراب انوار به استناد تاریخ مهر ایشان در حدود ۱۲۹۹ قمری و ۳۰ سالگی وی بوده است.

۱۴- بحث و جدل آقا سید ابوتراب با امیر اسماعیل خان سبب شده که شرح زندگی شایسته ای از ایشان تنظیم نگردد بالاخص که آقا شیخ محمد باقر آیتی هم می توانست در کتاب رجال خود نامی از ایشان ببرد چرا که وقتی شیخ محمد باقر در مدرسه جعفریه قاین تحصیل می کرده و نوجوانی ۱۷ ساله بوده آقا سید ابوتراب به نقل خانلرخان جوانی ۲۵ ساله و فاضل و در حال تدریس بوده است.

۱۵- آقا سید ابوتراب انوار از حدود ۱۲۹۳ قمری تا ۱۳۱۷ قمری در مقام استادی در حوزه علمیه قاینات تدریس می نموده است لذا خیلی از مجتهدان بعدی در قاینات از شاگردان وی بوده اند (خانلرخان، ۱۳۵۱).

۱۶- از مهمترین خدمات وی به قاینات میتوان رسیدگی به اموراتی از جمله حاکمیت شرع و رسیدگی به موقوفات و ایجاد و ساخت ریح برای مزار کوه بیرجند را بیان کرد.

۱۷- هر چند منابع از روابط خوب حکومت با محمد باقر آیتی صحبت می کند ولی اصل واقع این است که اگر این موضوع صحت می داشت دلیلی به دعوت محمد هادی هادوی از نجف به قاینات وجود نداشت.

۱۸- زمان حاکمیت شرع و رسیدگی به امورات شرعی بیرجند توسط محمد باقر آیتی به استناد تاریخ دورن مهر ایشان از سال ۱۳۱۶ قمری به بعد بوده است و اگر ورود ایشان به بیرجند را همان ۱۳۰۵ قمری در نظر بگیریم ایشان بیشتر به تالیف مشغول بوده اند تا حاکمیت شرع. به امید اینکه اسنادی به قبل از تاریخ ۱۳۱۶ قمری پیدا شود تا بتوان وقایع دقیق تر و مستند تری به دور از روایت را برای ایشان نگارش کرد.

۱۹- تاریخ اجتهاد محمد باقر آیتی را همان ۳۰ سالگی باید بیان کرد نه ۲۲ سالگی بالاخص که اجازه استادش به ایشان در سال ۱۳۰۹ قمری یعنی ۳۳ سالگی ایشان است.

۲۰- اجازه سید اسماعیل صدر (که بدون تاریخ سال می باشد) به محمد باقر آیتی در خصوص رسیدگی به امورات شرعی بیرجند می بایست بعد از سال ۱۳۱۲ قمری باشد چرا که جناب میرزای شیرازی تا سال ۱۳۱۲ قمری در قید حیات بوده و صدور اینگونه احکام توسط میرزای شیرازی به عنوان مرجع واحده بوده است. بعد از فوت ایشان زعامت دینی به سید اسماعیل صدر انتقال می یابد.

۲۱- تاریخ شروع حاکمیت شرع آقای هادوی از حدود سال ۱۳۱۸ قمری تا ۱۳۱۹ قمری به بعد بوده است.

۲۲- حاکمیت شرع قاینات بر عهده محمد هادی هادوی بوده و فرامین شرعی نیز توسط ایشان صادر می شده است و از اسناد اینگونه بر می آید که شیخ محمد باقر آیتی به عنوان فقیهی صاحب نظر در کنار ایشان مسائل شرعی را هدایت می کرده است.

منابع:

- الهی زاده، محمد حسن و علیزاده، زهرا و خسروی میناخو، فاطمه، ۱۳۹۶، شخصیت و حیات علمی شیخ محمد باقر آیتی بیرجندی، نهمین همایش ملی پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی.
- آیتی، م ح، ۱۳۷۱، بهارستان، مشهد، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- جلیلی، حمیده و غوث کمال، ۱۳۹۸، بررسی جایگاه عرفانی آیت الله محمد حسن هردنگی در مبحث فکر بر اساس سروده فکر کن تا فکر تو ذکر آورد صد هزاران نکته بکر آورد، مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، دوره و شماره: دوره ۲، شماره ۲۰، دی ۹۸، ص ۳۷-۲۸.
- جلیلی، حمیده و کمال غوث و سالم حسین زاده و سیاوش مالکی، ۱۳۹۶. ملا محمد حسن هردنگی، (مجتهدی در سایه تاریخ) فصلنامه علمی پژوهشی علوم اسلامی انسانی، سال سوم شماره ۱۲: ۲۸-۱۶.
- جلیلی، حمیده و کمال غوث و سالم حسین زاده و سیاوش مالکی، ۱۳۹۷. در آمدی بر معرفی شخصیت و جایگاه علمی نیاکان آقایان راشد محصل مجموعه مقالات همایش ملی نکوداشت خاندان راشد محصل، ۲۰۰.
- جلیلی، حمیده و کمال غوث و سالم حسین زاده، ۱۳۹۴. بررسی اسنادی خدمات خاندان هردنگی به مزار دهک و نقش آنها در رسیدگی به موقوفات و امور وابسته به این مزار، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، دوره ۱۰، شماره ۲، صفحه ۸۵-۱۱۸.
- خانلر اعتصام الملک، سفرنامه خانلر خان اعتصام الملک (۱۳۵۱)، به کوشش: منوچهر محمودی، تهران.
- راشد، محمد حسین، ۱۳۴۵، کتاب ناتمام آخوند ملا محمد حسن هردنگی.
- راشد محصل، محمد تقی، ۱۳۹۲، معرفی یک عقد نامه، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، شماره ۳۰، ص ۱۹۵-۲۰۴.
- راشد، محمد تقی، ۱۳۴۲، بحث درباره آثارشش تن از علمای قهستان، پایان نامه دوره کارشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۱۰-۱۲۵.
- سعید زاده، محسن، ۱۳۶۹، بزرگان قائن، تهران، چاپ اول جلد ۲.
- عباسلو، سمیرا و علیزاده بیرجندی زهرا، ۱۳۹۲، نقش اجوبه های علمای قاینات در تدوین تاریخ اجتماعی منطقه (عصر قاجار)، پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری-دانشگاه بیرجند-دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- علیزاده بیرجندی، زهرا و سمیرا عباسلو و محمد حسن الهی زاده، ۱۳۹۲، جایگاه اجوبه های علمای بیرجند در مطالعات تاریخ محلی، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، تابستان - شماره ۲۸ علمی - ترویجی: ۲۹-۵۲.
- علیزاده، زهرا، ۱۳۹۰، علمای مذهبی قهستان، تهران، انتشارات فکر و بکر، چاپ اول، ص ۶۶.

- غوث، کمال، ۱۳۹۷. آیت الله محمدحسن هردنگی (احیاء کنندة موقوفات و بقاع متبرکه)، تهران، فکر و بکر، به سفارش اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان جنوبی.

- ولوی، علی محمد، ۱۳۹۶. تصحیح، تحشیه و تشریح (هردنگی، محمدحسن، ۱۳۰۲ قمری، تاملات کلامیه)، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول.

- نظام دوست، محمد، ۱۳۹۲، جرعه نوش عرفان جستاری از خاطرات و مجاهدتهای آیت ... حاج شیخ جواد عارفی، تهران، فکر و بکر.

- هردنگی، محمدحسن، ۱۳۰۲ ه ق، کتاب اعتقادات و اصول معارف، ص ۱-۲.

An Investigation on the Identification of Shariat Governments In Ghohestan (Southern Khorasan Currently) from ۱۲۸۴ AH to ۱۳۶۶ AH :

Jalili Hamideh, PhD in Educational Management and Lecturer at Farhangian University of Birjand Ghouth Kamal, Master of Agricultural Extension and Education

Abstract :

One of the concerns of historians is search for useful data for writing social history. Among the non-research and non-historiographical sources, one of the sources that has the potential and capacity for writing social history is a look at the works of local scholars. The present article introduces the position of the scholars of the Qaynat such as Seyyed Aboutaleb Ghayeni, Mohammad Hassan Hardengi, Mohammad Bagher Ayati, Seyyed Aboutaleb Anwar and Mohammad Hadi Hadavi. ntroducing them in a documentary and investigative way, and without being biased, they identify the true position of each of them. The main purpose of this article is to identify the religious rulers of Qayenat that is because of political dominance, local elitism, life away from Birjand and distance from the rulers of Qayenat, their role in the history of Qaenat pale and sometimes missing.

Keyword :

Mohammad Baqer Ayati, Mohammad Hassan Hardengi, Mohammad Hadi Hadavi, Seyyed Aboutorab Anwar, Seyyed Aboutaleb Ghayeni, Religious rule, Qaenat.